



## امپریالیسم "روح تحرک بخش" جمهوری اسلامی

از صفحه ۱

بخصوص با توجه به مذهبی بودنش بازبینای جامعه یعنی سرمایه داری وابسته خوانائی ندارد و با چون دچار بحران اقتصادی و سیاسی است چندصباحی بیشتر نمیتواند دوام بیاورد و سیره همگی توجیهگر اندیشه‌های است که از عدم تشبیهت جمهوری اسلامی سخن گفته و معتقد است که این رژیم هنوز حواز ماندن بر سرکار را در دست نداشته و با آن را کسب ننموده است. در این اواخر نیز با طرح مسئله مرگ خمینیستی نیروهای سازشکار روی مرگ این جلااحساب ویژه‌ای باز کرده و توهم ایجاد تغییر و تحولاتی ابطاقی بین این رژیم و راجعیتی اگر در مواردی صریحا از سرنگونی رژیم بعد از فوت خمینیستی صحبت نمیشد سه به توده‌ها تویه داده‌اند.

این تحلیلها درست به اعتبار فیر علمی و غیرواقعی بودنشان نمیتوانست تا شیرات نامطلوب بر روی توده‌ها باقی نگذارد. واقعیت آنست که نه فقط مرگ خمینیستی و عدم تحقق پیش بینی‌های آنان در رابطه با مرگ آن مزدور بلکه واقعیات آشکار دیگری مبین ورشکستگی این گونه تحلیلها و تفکرات انحرافی ناشی از آنها میباشد. برای نشان دادن بعد این ورشکستگی کافی است به خود واقعیت رجوع کنیم تا ببینیم که ملیرغم تبلیغات پوچ و انحرافی یعنی بزاینکه جمهوری اسلامی بزودی سقوط خواهد نمود، جنبش انقلابی ایران و خلقهای تحت ستم ما دهسال است که سلطه تنگین جمهوری اسلامی را با پوست و گوشت خود لمس کرده و در زیر سرکوبه‌های وحشیانه این رژیم در یکی از دهشتناکترین شرایطی کسه تاریخ معاصر ایران بخاطر دارد، بسر میبرند. و در حالیکه خشم و نفرت بیحد از رژیم مزدور جمهوری اسلامی سراپای وجودشان را دربر گرفته و در حالیکه همه شواهد حاکی از ضعف و ناتوانی رژیم بوده و ظاهرا حکم به نابودی هر چه سریعتر آن میدهند، ولی این رژیم با استعمال و درماندگی هم که شده، همچنان بر اریکه قدرت قرار دارد.

رواج اندیشه‌های انحرافی در قالب عبارت عدم تشبیهت جمهوری اسلامی و نتیجه گیری از آن که سرنگونی رژیم قریب الوقوع میباشد در حالیکه در گنه خویش توده‌ها را به انفعال ظلمی و چشم دوختن به تحولات از بالا دعوت مینماید درست بدلیل تعارض آشکارشان با واقعیت در پروسه خسود زمینه ساز رشد گرایشات تسلیم طلبانه و گسترش اندیشه‌های مایوسانه گشته و به تدریج این روحیه فیر مبارزاتی که

با روحیه‌ای رزمنده و امیدوار با خواست تحقق شعارهای مبارزاتی خویش، و پایان دادن به فقر و فلاکت و دربندری و بیخانمانی و انواع ظلم و فساد و بیعدالتی‌های موجود در جامعه در جهت کسب شرایط مناسب زندگی و رسیدن به آزادی در رابطه با سرنگونی این رژیم روز شماری میکنند و جویندگی آنند که بالاخره چه موقع مرگ رژیم جمهوری اسلامی فرامیرسد و چه وقت سرنگونی آن تحقق خواهد یافت.

شکی نیست که طرح و وجود چنین سئوالاتی در بین توده‌ها، نیروهای سیاسی مختلف را ملزم به پاسخگویی مینماید و الحق هر یک از آنان نیز با تحلیل‌های مختص خویش به جوابگویی در زمینه فوق پرداختند. در این میان تحلیل‌های اپورتونیستی و انحرافی مدعی قریب الوقوع بودن سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی شده و این اندیشه چنان در بوقته‌های تبلیغاتی مختلف دمیده شد که بزودی به اندیشه‌های رایج در جامعه تبدیل گشت و بصورت شایعترین موضوع در بین توده‌ها درآمد. سازمان مجاهدین خلق در رواج اندیشه قریب الوقوع بودن سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی با سه عبارت خود این سازمان سرنگونی رژیم خمینی تا آنجا پیش رفت که تاریخهای معینی را نیز جهت سرنگونی آن تعیین و آن را تبلیغ نمود. این سازمان حتی سال، ماه و روز سرنگونی رژیم را نیز پیش بینی میکرد. البته نیروهای دیگری نیز که تحلیل‌های مشابه مجاهدین در دست داشتند، کمتر از این سازمان به اشافه اندیشه قریب الوقوع بودن سرنگونی رژیم نمی پرداختند و گاه حتی با عبارات غاربتی از مارکسیسم و با ادعای ارائه تحلیل‌های با معلاج مارکسیستی به این توهم دامن زدند، از این زاویه بود که مسئله تشبیهت با عدم تشبیهت جمهوری اسلامی به موضوع بحث‌های این دسته از نیروهای سیاسی تبدیل گردید که اتفاقا در پاسخ به آن همه‌آنهاش که آشکارا و یا بنحوی از انحاء ماهیت مستقل از امپریالیسم برای رژیم جمهوری اسلامی قائل بودند و آنرا نه مزدور و سگ زنجیری امپریالیسم بلکه رژیم مستقل که حداکثر دارای ارتباطاتی با امپریالیستها میباشد، تلقی مینمایند. متفق القول بوده‌اند که جمهوری اسلامی در جای خود تشبیهت نشده و بزودی سقوط خواهد کرد تحلیل‌هایی از قبیل رژیم جمهوری اسلامی رژیم "مادون سرمایه داری" است، "نامطلوب" برای امپریالیسم و سیستم سرمایه داری میباشد گاست حکومتی است که واقعیت وجودیش

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

اندیشه تشبیت رژیم قرار دارد، پس به پنجهت تشبیت" رانگی میکرده اند - در کدام عرصه میتوانند خود را موفق و پیروز فرض کنند؟! (۳۳)

بگذارید برای اینکه کینه مسئله بیشتر آشکار شود مختصراً با نگاهی به نظری که بحران اقتصادی حاکم بر کشور را دلیل بر سرنگونی سریع این رژیم تلقی کرده و به این اعتبار از عدم تشبیت رژیم جمهوری اسلامی سخن میراند بیه توضیح امر بپردازیم.

این واقعیت غیرقابل انکاری است که نظام سرمایه داری وابسته ایران را بیش از ده سال است که بحرانی بزرگ فراگرفته و اساساً رژیم جمهوری اسلامی نیز زاده همین بحران بوده و برای مقابله با آن به خلقهای ما تحمیل گردیده است. اما اگر وجود بحران خود بروشنی بیانگر گنبدیگی نظام سرمایه داری وابسته و ضرورت نابودی آن میباشد، در همان حال باید دانست که این امر به هیچوجه دلیلی بر سرنگونی سریع رژیم موجود نمیشد، این مدعا را قبل اینکه لازم باشد با دلائل ثنویک به اثبات رساند میتوان با تکیه بر تصدای حاکمیت دهساله جمهوری اسلامی توضیح داد. تجربه ای که نشان میدهد چگونه رژیمی که ده سال است در بحران غوطه ور میباشد، توانسته است در همان حال سال جنگ و توام با آن سرکوب خونین انقلاب را پیش برده و در شرایطی که ارتامین حداقل ما به محتاج توده ها عاجز است هر روز بیش از گذشته به چپاول آنها بپردازد و در اوج خشم و نفرت توده های به حکومت ننگین خویش ادامه دهد، ادعای فوق با تکیه به تجربه کشورهای دیگر نیز ثابت میگردد.

آنها در سالهای اخیر در فیلیپین، ما با بحرانیهای سخت اقتصادی و سیاسی روبرو نبوده ایم و با مگر در برزیل و مکزیک بحران شدید اقتصادی وجود ندارد و آنها وجود بحرانیهای حاد اقتصادی در الجزایر و اردن علی رغم خلقان حاکم سر این جوامع به شورشهای خیابانی منجر نگردیدند؟ آنها کسی میتوانند منکر بحران شدید اقتصادی در اسرائیل و با حدت تضادهای طبقه حاکمه در آنها باشد، پس چرا رژیمهای حاکم بر کشورهای یاد شده سقوط نمیکند و مثلاً سخنی از سرنگونی سریع رژیم صهیونیستی اسرائیل که سالهاست در نقش یک زنجیری امپریالیسم در منطقه به پیشبرد سیاستهای ضد خلقی امپریالیسم مشغول است در میان نمیشد؟

اگر این واقعیتی است که به اعتبار بحران در نظام جهانی امپریالیسم و سیاست امپریالیستی در سرنگن نمودن با رایسن بحران بدوش کشورهای تحت سلطه در چهار گوشه جهان ما شاهد گسترش بحرانیهای شدید اقتصادی و سیاسی در کشورهای تحت سلطه میباشیم، اما همین واقعیت در عین حال نشان میدهد که به این اعتبار نمیتوان از سرنگونی سریع رژیمهای حاکم بر آن کشورها و از این زاویه از عدم تشبیت آنها سخن گفت و بواقع نیز رژیمهای حاکم در اغلب کشورهای تحت سلطه علی رغم مواجهه با بحران های شدید اقتصادی و سیاسی همچنان

دیگر امیدی به سرنگونی رژیم ددمنش جمهوری اسلامی نیست و در جامعه اشاعه میدهد، به این ترتیب بار دیگر معلوم میشود که سازشکاران و اپورتونیستها چگونه با تخلیها و تبلیغات غیرواقعی خویش ضمن فریب توده ها توهمات آنان را دامن زده و انرژی مبارزاتی خلق را به هز میبرند و اگر آنها خود را با ایجاد امیدهای کاذب تسکین میدادند، چگونه اشاعه امیدهای کاذب در روند خود به ناامیدی های بزرگتر منجر میگردد.

اما اگر ورشکستگی تخلیهای سازشکارانه امروز بیش از پیش آشکار گشته و نتایج مغرب خویش را نیز بطور محسوس بجای گذاشته است، دارندگان چنان تخلیهای بجای اعتراف به انحرافی بودن و ورشکستگی آن تخلیها و درگیری از آنها امروزه ریک بنحوی سعی دارند رنگ و لعاب جدیدی به دستگاه فکری خود زده و درشکلی با اصطلاح آبرومندانیه مجدداً به طرح آن نظرات و اشاعه شان در جامعه بپردازند. در اینجا ست که عبارات "ته مانده های رژیم خمینی" که گویا امر سرنگونی آن دیگر در گرو وارد آوردن تنها یک ضربه میباشد، مطرح میگردد و با گمانی بیاد آن میافتند که اگر مثلاً در فردای روز مرگ خمینی به توده ها هشدار داده بودند که "بر زمینه آشفتنی در صفوف رژیم"، "باید با تمام قوا به خیابانها ریخت" والا "اگر در این مقطع فرصتها از دست داده شود" جناح رفسنجانی قدرت را قبضه کرده و این امر زمینه ساز "تشبیت جمهوری اسلامی" خواهد گردید (۳۴) امروز در پاسخ به نامه ها و سئوالات "اندیشه کاذب به اصطلاح" عدم تشبیت رژیم" را از زاویه ای که مطرح بوده است به اما و اگرهای منوط کرده و بگویند در صورت طرح مسئله به فلان صورت" باید بگوئیم که نه جمهوری اسلامی هنوز تشبیت نشده است "ولی اگر مسئله به گونه ای دیگر و به همان صورت مطرح گردد" باید بگوئیم بله این رژیم از مدتها پیش تشبیت شده است" و البته جای شکی نیست که چنین توجیهاتی به سبکی که تاکنون از طرف این نیروها نشان داده شده الزاماً باید با طعنه ای به چریکهای فدائی خلق همراه بوده باشد که برخلاف همه اپورتونیستها و سازشکاران هرگز توده ها را با اندیشه قریب الوقوع بودن سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی فریب نداده و برعکس در حیو به بازار گرمی تبلیغات سازشکاران در زمینه فوق به توده ها گفته اند که اساساً مسئله رفتن با ماندن رژیمهای وابسته از آنچنان اهمیتی که اپورتونیستها و سازشکاران مبلغ آنند برخوردار نیست بلکه اساساً مسئله بر سرنا بودن سلطه امپریالیستی و قطع نفوذ امپریالیسم از میهنمان میباشد و ....

براستی اگر اپورتونیستها در مقابله با نظرات چریکهای فدائی خلق دن کیشوت وار دشمن خیالی برای خود نترانند - که به ادعای آنها گویا چون معتقدیم یک شکل از مبارزه یعنی مبارزه قهرآمیز میباشد و این امر نیز در مغایرت با

۳ - رجوع شود به اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شورای عالی "پیرامون مرگ خمینی"

سیاستهای امپریالیسم از خود بروز داده است. سیاستهای جمهوری اسلامی در سرکوب انقلاب ایران، پیشبرد جنگ امپریالیستی ایران و عراق، پیشبرد سیاستهای امپریالیسم در لبنان و افغانستان، رواج تبلیغات "اسلامی" در منطقه و جمهوری های جنوبی شوروی، همگی نشان میدهد که چگونه این رژیم در جهت منافع امپریالیسم گام برداشته و چرا امپریالیسم بیش از آنچه کوتاه اندیشان تصور میکنند روی آن حساب باز کرده و در جهت حفظ آن میکوشد.

اگر ما هدین و دنباله روانان با تکیه بر نظرات انحرافی غیوش فکر میکنند که با مرگ خمینی، روح از جسم نجیب جمهوری اسلامی خارج گشته و این رژیم "روح از دست داده" تنها لاشه متعلقی است که جز زمان کوتاهی برای در قبر گذاشتن آن باقی نمانده است، واقعیت آنست که "روح تحرک بخش" رژیم جمهوری اسلامی، نه "روح اله" بلکه قدرت امپریالیسم جهانی است که تمام شواهد حاکی از آنست که قصد دارد کماکان از هیچ کوششی برای بر سر کار نگهداشتن او دریغ ننماید.

در پایان ضمن تکیه به این نکته که رواج اندیشه های غیرعلمی و دور از حقیقت اپورتونیستی و سازشکاران الزام نمیتوانست به نتایج نادرستی همچون سرنگونی سریع رژیم جمهوری اسلامی و با اساس به اردست دادن چشماندار سقوط این رژیم منجر گردد، باید مؤکداً بگوئیم که حاکمیت امپریالیستی در ایران بهیچوجه از ثبات پیشین برخوردار نمیشد. واقعیتی که چشماندازی وسیع در مقابل انقلاب خلقهای ایران قرار میدهد. در نتیجه توده های ما باید بدون توجه به تزه های اپورتونیستی و دلخوشی به سرنگونی سریع جمهوری اسلامی، به این بیاندیشند که بدون شرکت فعالانه خودشان در نبرد بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بدون اینکه خود بیاخیزند و با قدرت انقلاب سلطه امپریالیسم را نابود سازند، از تحقق خواستهای بحققان و از آزادی و دیکراسی خبری نخواهد بود و حتی اگر امپریالیسم در اثر مبارزات توده ها مجبور شود چماق با ارزش خود یعنی جمهوری اسلامی را از دست بدهد، باز تا حاکمیت امپریالیستی با برجاست آنان از قید رژیمهای جنایتکاری همچون رژیم جمهوری اسلامی غلامی نخواهند یافت. بنا بر این اگر با پسند همواره حقایق را با توده ها در میان گذاشت و اگر با پسند در رابطه با توازن قدرت انقلاب و فدا انقلاب مبالغه نکرد و امیدهای کاذب ایجاد ننمود، باید به جرات به خلقهای مبارز ایران بگوئیم که برای رسیدن به جامعه ای که در جهت تحقق آن مبارزه میکنند راهی طولانی در پیش است که تنها با شرکت فعالانه آنان پیموده شده و به نتیجه خواهد رسید. راهی که علی رغم همه سختیهایش و علی رغم طولانی بودنش تنها راه رسیدن به آزادی است. راه جنگ توده ای و طولانی.

در سرکار نگاه داشته شده اند. از جنبه های دیگر این واقعیت را نیز باید مورد توجه قرار داد که حتی اگر بحرانهای اقتصادی و سیاسی در تداوم خود به یک وضعیت انقلابی، همچون وضعیتی که در اوایل سلطنت شاه بوجود آمد، منجر گردد، باز هم بهمانگونه که تجربیات تاریخی ثابت نموده است نمیتوان حکم به سرنگونی سریع حکومت داد. چرا که هروضعیت انقلابی الزاماً به سرنگونی رژیم حاکم و با به انقلاب و پیروزی آن منجر نمیشود. بنا بر این اگر چه جنبشهای توده ای بر زمین بحران اقتصادی و رشد تضادهای درونی رژیم و بحران سیاسی حکومت، امکان رشد و گسترش هر چه بیشتری مییابند، ولی این واقعیت نمیتواند توجه گر تحلیلهائی گردد که به صرف بحرانی بودن سیستم اقتصادی ایران و با به دلیل وجود تضادهای حاد در بین سردمداران رژیم حکم به قریب الوقوع بودن سقوط رژیم جمهوری اسلامی میدهند. بواقع آنچه آنها از نظر دور میدارند و با اساس قادر به فهم آن نمیشدند اینست که اقتصاد جامعه ما روی پای خود قرار نداشته، بلکه با تمام تاروپود غیوش وابسته به سیستم جهانی امپریالیستی است و همین منروابستگی است که علی رغم فرقی بودن سیستم سرمایه داری وابسته ایران در بحرانی شدید باعث گردیده رژیم که برای حفاظت از آن بر سر کار قرار گرفته است، همچنان با برجا مانده و با حمایت و هدایت امپریالیسم سیاستهای فدخلتی خود را در جهت تامین منافع امپریالیستی پیش ببرد.

با لطمع عدم درک واقعیت فوق باعث انحراف در زمینه های دیگری نیز میگردد. کسانی که جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی چشم خود را به مرگ خمینی دوخته بودند در واقع نشان داده و میدهند که سلطه فدخلتی حاکم بر میهنمان را قبل از اینکه ناشی از امپریالیسم بدانند به شخص خمینی نسبت داده اند. ولی اگر آنها نمیدانند و یا نمیخواهند بدانند، سردمداران جمهوری اسلامی بخوبی میدانند که این رژیم قبل از اینکه به خمینی وابسته باشد، به امپریالیسم وابسته است و با مرگ خمینی نیز همچنان با الهام و یاری "امدادات غیبی" اربابان امپریالیستش در جهت منافع و مصالح آنها سیاستهای فدخلتی خود را پیش خواهد برد. بخصوص آنها فی که حتی بجای لفظ رژیم جمهوری اسلامی، از عبارت "رژیم خمینی" برای نامیدن این رژیم استفاده میکنند و با مرگ خمینی از "توامنده های رژیم خمینی" سخن میگویند و برای خمینی چنان قدرتی قائل بودند که بواقع فاقد آن بود، مشکلشان تنها این است که منافشان اجازه نمیدهد بفهمند که جمهوری اسلامی رژیم وابسته به امپریالیسم میباشد که در ده سال اخیر، امپریالیسم آنرا برای غلبه بر بحران نظام موجود و سرکوب انقلاب و در همان حال پیشبرد سیاستهای ارتجاعی اش در منطقه براریکه قدرت قرار داده است و اتفاقاً در این ده سال رژیم جمهوری اسلامی در انجام وظایف فدخلتی خود نه تنها کوتاهی نکرده بلکه با ارتکاب به جنایات بیشمار و آفرینش نجات رنوا در حق توده ها، قابلیت های قابل توجهی نیز در پیشبرد



برگف بر علیه سرمایه داری می‌رزمند را جماعتی آدم‌کش که هدفی جز کشتار توده‌ها ندارند معرفی می‌نماید.

در نتیجه حزب دمکرات سناریوی کوبیدن و تخطئه دیکتاتوری پرولتاریا و رد الزام تاریخی آن برای بهروزی کارگران را بوسیله هستری ضد استالینی به کودکا نه‌ترین شکلی توجیه نموده و نشان می‌دهد که حتی در ارکستر ضد کمونیستی ای که از سوی امپریالیستها سازمان یافته است نیز، استعداد چندانی ندارد و حداکثر می‌تواند در نقش نوازنده دوره گسردی خود نمائی نماید.

اما برای اینکه فریبکارهای این نوازنده دوره‌گرد را به مردم کرستان و بهیمرگان حزب و بویژه آنهایی که با احساسات خام سوسیالیستی هنوز در صفوف این حزب فعالیت می‌نمایند، ساز هم بیشتر نشان دهیم، لازم است تاکید کنیم که ضرورت دیکتاتوری پرولتاریا امری نیست که از فکر استالین تراوش کرده و یا ناشی از تفسیر استالینی مارکسیسم-لنینیسم باشد و اعتقاد کمونیستها به این اصل هم نه ربطی به "تفسیر های" استالین از مارکسیسم دارد و نه ربطی به ترجمه‌های غلط آثار مارکستی و یا "دیهات‌انحرافی" حزب توده. بلکه اصل دیکتاتوری پرولتاریا ضرورتی تاریخی است که به وسیله مارکس پدیا نگذار سوسیالیسم علمی شناخته شده و تاکید بر آن از سوی دیگران و از جمله استالین تنها بیانگر اعتقاد آنها به مارکسیسم و این حقیقت تاریخی می‌باشد.

اما ببینیم خود مارکس در "نقد برنامه گوتا" در این زمینه چه می‌گوید: "بهین جامعه سرمایه داری و کمونیستی دوران تبدیل انقلابی جامعه اول به جامعه دوم قرار دارد. متناسب با این دوران یک دوران انتقالی سیاسی نیز وجود دارد و دولت این دوران چیز دیگری جز دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا نمی‌تواند باشد".

شاید در اینجا قیود مطلب دهگمر از مارکس در این باره غیر لازم نباشد تا به کسانی که تعصب تاثر تبلیغات حزب دمکرات قرار می‌گیرند نشان داده شود که اساسا خود مارکس چگونه کشف ضرورت دیکتاتوری پرولتاریا را به عنوان یکی از خدمات خود به پرولتاریا عنوان می‌کند در این زمینه در نامه‌ای که مارکس در سال ۱۸۵۲ به "ویسد مهر" نوشته شده است: "و اما در باره خود

## وقتی که حزب دمکرات معلم سوسیالیسم می‌شود!

از صفحه ۱  
استالین "را پیاده کنند بدون اینکه بخواهم فعلا وارد این بحث شوم که چرا الزاما دیکتاتوری پرولتاریا را باید با همان اصطلاح "شیوه‌های استالین" یکسان گرفت، بهیتر است برای شناخت این شیوه‌ها از نظر حزب دمکرات مطالب را ادامه دهیم و ببینیم حزب دمکرات در این زمینه چه می‌گوید. از نظر حزب دمکرات شیوه‌های استالین همانا زیر پا گذاشتن "بندانی ترین حقوق انسانها" با کفتار "میامونها تفسیر از مردم شوروی" و آنها شیوه جنایت‌بار دیگر می‌باشد. بنا بر این حزب دمکرات در حالیکه دیکتاتوری پرولتاریا را با اصطلاح "شیوه‌های استالین" مترادف هم قرار می‌دهد با رد آن به اصطلاح شیوه‌ها به رد یک اصل خدشه ناپذیر در مارکسیسم یعنی ضرورت دیکتاتوری پرولتاریا می‌پردازد و در ضمن سازمانهای چپ مارکسیست را هم به عدول از این اصل فرامیخواند. چنین است که رهبری حزب دمکرات اگر تنها امروز در بحث کوتاهی درباره سوسیالیسم "با حماقت تمام می‌کوشد ثابت کند که از نظر مارکس دیکتاتوری پرولتاریا یک اصل" می‌باشد و ریاکارانه اعلام می‌نماید "از دیدگاه یک فرد مارکسیست" طرفداری از دیکتاتوری پرولتاریا به هیچ وجه نباید مانند یک اصل تغییرناپذیر و غیر قابل بحث در نظر گرفته شود" و با تکیه به رد این اصل از سوی رویزونیستها، ساده اندیشانی در صفوف حزب دمکرات را که گاه به طرفداری از ضرورت دیکتاتوری پرولتاریا سخن می‌گفتند به عنوان "کاسه ناغتر از آب" به مسخره می‌گرفت، حال کار وقاحت را به آنجا رسانده است که اعتقاد به دیکتاتوری پرولتاریا که بدون اعتقاد به آن هیچ مدعی مارکستی را نمی‌توان مارکسیست نامیده به مسخره گرفته و کمونیستهایی که سالهاست برای رهایی بشریت از یوغ هرگونه ستم و استثمار جان

و بر علیه دیکتاتوری پرولتاریا، از ترس اینکه مبادا با اصطلاح متهم به دگماتیسم شوند، به تعبیر و تفسیر این ضرورت و کم رنگ ساختن آن دست میزنند، قضا همان میفهمد که مارکسیست نبوده و بی اعتقادی خود به مارکسیسم و خیانت به آنرا بنماییم میگذارید. اما اگر دیکتاتوری پرولتاریا یعنی دولتی که بر علیه اقلیت ستمگر و بورژوا، اعمال دیکتاتوری کرده و وسیعترین دمکراسی را برای کارگران و تبه نستان به ارمان میآورد برای ساختمان سوسیالیسم ضرورتی اجتناب ناپذیر میباشد و انکار آن بی اعتقادی به پیروزی انقلاب کارگری و سوسیالیسم را آشکار مینماید، پس بهتر است ببینیم «سوسیالیسم» در اصطلاح آموزشهای سوسیالیستی حزب دمکرات چه مفهوم داشته و دارد.

رهبری حزب دمکرات در مقاله مورد بحث با استناد به «دیکتاتوری استالین» و تحولات اخیر در پیروزی و چین مینویسد: «سوسیالیسم تاکنون به هدفهای خود نائل نیامده است» و به همین دلیل هم باید «جای خود را به سوسیالیسم دمکراتیک بدهد» و کمونیستها نیز بر این اساس لازم است در برنامههای خود به یک «تجدید نظر ریشه‌ای» مبارزت نمایند. قبل از اینکه به بررسی مفهوم «سوسیالیسم دمکراتیک» در نزد حزب دمکرات بپردازیم تا ماهیت سوسیالیسم مورد نظر این حزب و درخواستهای تجدید نظر طلبانه‌اش هر چه بیشتر روشن گردد، ذکر تذکری را لازم میدانیم.

واضح است که هر نیروئی بنا به ماهیت طبقاتی خویش از وقایع تاریخی درس میگیرد و بر همین اساس حزب دمکرات همان داده است که در برخورد با مسائل مختلف، چه ظرفیت بزرگی در کوتاه اندیشی دارد. اگر در زمینه مسائل کردستان که حزب دمکرات خود را متخصص آن میدانند این رهبری تحت پوشش تغییر «تاکتیک» معارها و اهداف استراتژیک خود را بالتور تغییر داده و در مقابل مشکلات و موانعی که در راه رسیدن به خودمختاری و دمکراسی وجود دارد بگونه‌ای انعطاف نشان داد که به دیکتاتوری جمهوری اسلامی و بعضی اختیارات مطلقه‌ای خود را قانع نمود، حال با کوتاه اندیشی تمام در برخورد با مسائل سوسیالیسم و مشکلات و موانعی که در جهت تحقق آن

باید بگوئیم، نه کشف وجود طبقات در جامعه کفونی و نه کشف مبارزه میان آنها، هیچکدام از خدمات من نیست. مدتها قبل از من مورخین بورژوازی تکامل تاریخی این مبارزه طبقات و اقتصاد نایان بورژوازی تفریح اقتصادی طبقات را بیان داشته‌اند.

کار تازه‌ای که من کرده‌ام اثبات نکات زیرین است: (۱) اینکه وجود طبقات فقط مربوط به مراحل تاریخی معین تکامل تولید است، (۲) اینکه مبارزه طبقاتی ناچار کار را به دیکتاتوری پرولتاریا منجر میسازد، (۳) اینکه خود این دیکتاتوری فقط گذاری است بسوی نابودی هرگونه طبقات و بسوی جامعه بدون طبقات. برای اطلاع رهبری حزب دمکرات لازم است بگوئیم که لنین و البته نه استالین در «دولت و انقلاب» تاکید میکنند که: «مارکسیست فقط آن کسی است که قبول نظریه مبارزه طبقات را تا قبول نظریه دیکتاتوری پرولتاریا بسط دهد». وجه تعارض کاملاً عمیق بین یک خرده بورژوازی عادی (و همچنین بورژوازی بزرگ) با یک مارکسیست در همین نکته است.

پس معلوم میشود که ضرورت دیکتاتوری پرولتاریا، امری که بوسیله مارکس کشف و تبیین گفت ربطی به بدآموزیهای این یا آن گروه و سازمان ندارد و معلوم میشود که تبلیغات رهبری حزب دمکرات در این مورد جز مبتنا به ترفندهای فریبکارانه‌ای بیخ نمیباشد. اما چنین تبلیغاتی نه تنها نراهی از اهمیت و ضرورت دیکتاتوری پرولتاریا برای ساختمان سوسیالیسم در نزد کمونیستها نمیکاهد بلکه برعکس اهمیت این موضوع را با برجستگی هر چه بیشتر در مقابل کمونیستها و طبقه کارگر قرار میدهد. هم از اینرو جریکهای فدائی خلق افتخار میکنند که با صراحت تمام بر ضرورت انکار ناپذیر دیکتاتوری پرولتاریا برای ساختمان سوسیالیسم و رسیدن به کمونیسم تاکید ورزیده و اعلام میدارند که هر مدعی مارکسیستی به هر دلیل و به هر شبهه‌ای اگر در این اصل خدشه ناپذیر مارکسیسم - لنینیسم کوچکترین تردیدی بنماید و یا بدلیل هر مصلحتی از تاکید بر آن طفره رفته و یا آنرا به شرایط من درآوردی محروط سازد، جز عدول از مارکسیسم و خیانت به مارکسیزم کار دیگری نکرده است. و آنگاه هم که در شرایط او جگیری تبلیغات ضد کمونیستی

زنده باد خلق رزمنده که برای آزادی میجنگد

است که با نرسگیری از این اشتباهات به مبارزه برای نابودی نظام سرمایه داری شدت هر چه بیشتری بخشیده و همیشه این سخن مارکس را بیاد داشت که پرولتاریا وقتیکه قدرت بورژوازی را سرنگون و قدرت دولتی خود را برقرار نمود بجای اینککه اسلحه را زمین بگذارد، باید برای سرکوب مقاومت سرمایه داران که تازه ده برابر بیشتر از قبل میگردد، به اعمال قوه قهریه و استفاده از اسلحه بپردازد و در همین جا باید گفت که البته طبیعی است که این سخنان برای کسانی که هنوز بقدرت نرسیده از منسوخ بودن راه حل نظامی در مقابله با دشمن دم میزنند، خوش آیند نبوده و واقعا هم «چپ گرا» و چیزی که بوی خطر کمونیسم از آن بمشام میرسد، تلقی گردد. با این تذکر حال لازم است ببینیم که «سوسیالیسم دمکراتیک» مورد نظر حزب دمکرات چه معنوی است؟ در مقاله حزب دمکرات آمده است: «سوسیالیسم دمکراتیک جامعه ای است که هم از سرمایه داری و هم از سوسیالیسم موجود متمایز است».

بر این اساس «سوسیالیسم دمکراتیک» که «آرمان نهائی» حزب دمکرات اعلام شده است جامعه ای است که نه با اصطلاح «سوسیالیسم موجود» قریب بقریب با نظام ما بران سرمایه داری، بدون شك این دیگر کشف بزرگی در علوم اجتماعی است. کشفی که امتیاز آن صد درصد به «اندیشمندان» حزب دمکرات تعلق میگیرد، چرا که تاکنون اکثر اندیشمندان علوم اجتماعی معتقد بودند که جامعه سرمایه داری به جا معسوسا لیستی (۳۰) - که دوران گذاری است برای رسیدن به کمونیسم تبدیل میشود و تاکنون هیچکس موفق نشده بودند جامعه جدیدی را کشف کنند که نه سرمایه داری است و نه سوسیالیستی و تمامی اختلافاتی هم که تاکنون در مورد ماهیت این «سوسیالیسم موجود» بین دیدگاههای مختلف وجود داشت بهر حال در همین محدوده دور میزدند که عده ای این «سوسیالیسم موجود» را جامعه ای سرمایه داری وعده ای سوسیالیستی میدانستند و تمامی گرایشهای فکری در این زمینه هم خود ناگاه بودند و نبودند، در تحلیل نهائی جز این نمیگفتند و نمیگویند، ولی حال اندیشمندان «حزب دمکرات» ما در کرستان به کشف بزرگی نائل آمده اند و جامعه ای را برای ما تصویر میکنند که نه قریب بقریب با نظام ما سرمایه داری دارد و نه با سوسیالیسم موجود (۳۱) همخوان است، ما بر اساسی ایمن دیگر ۳۰ و ۳۱ - باید توجه داشت که حزب دمکرات «سوسیالیسم موجود» را همان سوسیالیسمی میدانند که مورد نظر مارکس بود.

وجود دارد، از دیگران میخواهد که یکباره کل سوسیالیسم را به کناری گذاشته و راه ارتداد را در پیش گیرند. بلکه سازشکاران همواره در برخورد با مشکلات قبل از هر چیز اهداف استراتژیک انعائی خود را «واقع بینانه» تر میسازند، درست پسر خلاف انقلابیون که از شکستها برای هموار کردن راه مبارزه در جهت رسیدن به اهداف انقلابیشان درس میگیرند، جائیکه حزب دمکرات در برخورد با اولین مشکلات جدی عنوان نمود که «کرستان راه حل نظامی ندارد» و تحت این لفافه براحته شعار سرنگونی جمهوری اسلامی را به شعار تقویت جناح مذاکره جوی این رژیم تبدیل ساخت، برآستی چه جای تعجب است که این حزب و کمونیستهای «چپ گرا» را از برخورد جدی به مشکلات راه سوسیالیسم بر حذر داشته و آنها را به راه «راست» هدایت ننماید. البته در مورد اخیر که همچون کرستان جز امور تخصصی حزب دمکرات نمیباشد، حرجی بر او نیست و در این زمینه نباید زیاد به او سخت گرفت.

در هر صورت این واقعیتی است که انقلابات کبیر کارگری بدلیل غلبه رویزیم و هم بر آنها متحمل شکستهای بزرگی شده اند اما کمونیستها در مواجهه با این شکستها هرگز در حقانیت و ضرورت سوسیالیسم و کمونیسم تردید نمیکنند و همچون حزب دمکرات که براحته شعار استراتژیک (بقول خودش) دمکراسی برای ایران را به «دیکتاتوری آخوندی» و خودمختاری برای کرستان را به کسب نوعی خودگردانی - تازه در بهترین حالت - تبدیل میکند، خود را به سوسیالیسمهای پی بو و خاصیت مشغول نمیکند آنها در مواجهه با این شکستها، تنها با این می اندیشند که چه درسهائی را چگونه میتوانند از آن شکستها اخذ نمایند و چگونه باید بجنگند تا نظام سرمایه داری را بطور قطعی نابود سازند. چرا که این شکستها بواقع با برجستگی هر چه بیشتری ضرورت نابودی قطعی سرمایه داری و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا برای ساختمان سوسیالیسم را به اثبات میرساند. و اتفاقا تحولات اخیر که حزب دمکرات آن را تحولی انقلابی قلمداد میکند - و در همین جا به معنی انقلاب هم میتوان در نزد این حزب پی برد - نشان میدهد که طبقه کارگر در اعمال دیکتاتوری خود بر علیه ستمگران و در ساختمان سوسیالیستی جامعه دچار اشتباه گردیده و درست به همین خاطر بوده است که رویزیمونیستهای رنگارنگ امکان رشد و قدرت نمائی یافته اند. در نتیجه آنچه در برخورد به شکستهای یاد شده باید بطور کلی مورد توجه قرار گیرد این

آغاز گفته است ۰۰۰۰۰ هم اکنون دولت سوسیالیستی فرانسه از نظراقتضای اجتماعی تقریبا همان کارهایی را انجام میدهد که مورد نظر حزب کمونیست فرانسه است ۰۰۰۰۰ در این آزمایش تنها یک مسئله برای ما جالب است و آن اینکه اگر این تجربه بهروز گردد نمونه‌ای از سوسیالیسم دمکراتیک بدست خواهد داد ۰ آیا برای ترک راز معجون کذائی با زهم احتیاج به توضیحی هست؟ آیا با زهم کسی حق ندارد در ماهیست دمکراسی و راه حل‌های دمکراتیک و سوسیالیستی این حزب یک و تردیدی به خود راه دهد؟

پس "سوسیالیسم دمکراتیک" که حزب دمکرات این همه از آن سخن میگوید و آن را در مقابل نیکتا توری پرولتاریا که گویا آنقدر غیر "دمکراتیک" است که با قتل و جنایت یکسان فرض میفوده قرار میدهد همین "آزمایش" آقای میتران و حزب سوسیالیست در فرانسه میباشد یعنی طبق خیال پردازان رهبری حزب دمکرات اگر همه "چپ مارکسیست" ایران و کمونیستهای سراسر جهان زیر هجوم حزب سوسیالیست فرانسه جمع شوند - که تازه آنقدر "سوسیالیست" است که همان کارهایی را انجام میدهد که مورد نظر حزب کمونیست فرانسه است - و این یکی هم آنقدر "کمونیست" است که همان چیزها را میخواهد که حزب سوسیالیست میتران انجام میدهد - دیگر نه از "بهران" خبری خواهد بود و نه از "نیکتا توری استالینی" ۰ واقعا که باید برای اندیشمندان حزب دمکرات هورا کنید و به این همه هوس و ذکاوت درود فرستاد!

هر کسی مطلقا انتظار داشت که پس از آن همه لفرکفسی بر علیه نیکتا توری پرولتاریا و مارکسیسم - لنینیسم و "سازمانهای چپ گرا" که گویا ترک خلق از مارکسیسم ندارد و نمیدانند که تئوری راهنمای عمل است و باید تئوری را با واقعیت تطبیق داد، نه اینکه واقعیت زندگی را با تئوری تطبیق نمود ۰ حزب دمکرات حداقل چیزی برای گفتن داشته باشد ولی معلوم شد که محتوای آن "معجون" کذائی هیچ چیز نیست جز سرمایه داری امپریالیستی فرانسه تحت رهبری حزب سوسیالیست آن کشور، که تنها قرابت سوسیالیسم را با سوسیالیسم بمقابله فاز اول جامعه کمونیستی همانا تقابله در اسم است ۰ از آنجا که ماهیت جامعه فرانسه و حزب سوسیالیست آن کشور بر کمتر کسی پوشیده است بی تردید نیازی به تفسیح بیشتر مسئله وجود ندارد ۰ چرا که سوسیالیسم موجود در فرانسه

چه "معجونی" است؟ ولی خوانندگان ما نباید آموزه‌های "سوسیالیستی" رهبری حزب دمکرات را زیاد هم دست کم بگیرند. آخر "دکتر" های دمکرات از وقتیکه درهای حزب دمکرات را درمان نموده و آنرا به حزبی "واقع بین" تبدیل کرده اند که براحتی حاضر است "آرامش و امنیت" را برای جمهوری اسلامی و "خود مختاری" را برای خود، آنها هم در چارچوب رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی مهیا و آماده کرده و حتی مشکلات "بازسازی" این رژیم ددمنش را نیز پاسخ گویده اکنون آماده اند با "معجون" "سوسیالیسم دمکراتیک" برای همیشه به دعوی نظام سرمایه داری و طبقه کارگر پایان داده و یک "صلح" طبقاتی - شاید هم فیهلطفاتی کسی چه میداند! - در جهان بوجود آورند تا نه سرخ بسوزد و نه کباب و ملخی که از آرمانهای طبقه کارگر "سوسیالیسم" را دارد و از انعامهای بورژوازی "دمکراتیک" را همه راز مسئله در همین نکته نهفته است در معجونی بنام "سوسیالیسم دمکراتیک" ۰

البته معجون فوق در حالیکه "تحولات انقلابی" در سوسیالیسم موجود" را توضیح میدهد خاصیت‌های عجیب دیگری هم دارد ۰ بوسیله آن میفود بر "بهران" "چپ مارکسیست" ایران فائق آمد ۰ احساسات خام سوسیالیستی بعضی از هواداران را پاسخ گفت ۰ در پشت میز هر مذاکراتی بسته به شرایط یکی از اجزا "دوگانه" آنرا برجسته نمود و غیره و غیره ۰ اینها هم باید دانست که برای پی بردن به کنه راز معجون اختراعی حزب دمکرات احتیاج به تعمیل زحمت زیادی نیست ۰ آزار آنجا که حزب ما به اصول دمکراسی زیادی پایبند است و حتی قبل از اینکه آقای گورباچف از ضرورت "صلحیت" سخن گوید به این ضرورت رسیده و به آن پاسخ داده بود - و حتی گاه در اینجا و آنجا به آقای گورباچف انتقاد میکند که چرا حرفهای او را به اسم خودش جا زده است - در نتیجه این حزب برای هواداران خود و شاید هم بهتر باشد بگوئیم برای "دوستان خارجی" "حزب با وضوح هرچه بیشتری توضیح داده است که "سوسیالیسم دمکراتیک" چگونه جامعه‌ای است و میتوان از ورای آن توضیحات به کسب شناخت دقیقتری از این معجون ناقص آمد ۰ برای این منظور تنها لازم است به صفحه ۲۱ "بحث کوتاهی درباره سوسیالیسم" مراجعه کنیم تا ببینیم در این زمینه چه میگوید ۰ هم اکنون در فرانسه آزمایش تازه‌ای



فرهاد وای دیکتاتوری سرکشد - دهرها زود متحقق خواهد شد و مسلما شکستهای طبقه کارگر در این یا آن کشور و در این یا آن دوره هیچ خللی در این مسیر بازگشت ناپذیر تاریخ نخواهد داشت. چراکه این شکستها تنها تجربیات انقلابی ترین طبقه تاریخ را برای ساختن جامعه‌ای که در آن از مالکیت خصوصی و استثمار و زور و سرکوب برستمکشان خبری نخواهد بود و فزونی میبخشد و پرولتاریا جامعه‌ای خواهد ساخت که در آن دیگر نه از استثمارگرانی خبری خواهد بود که در کارخانه شهره جانش را بکند و نه از کسانی که به بهانه "ماحب اختیار خانه" بودن استمکشان را دسته دسته به چوبه تیر سپارند. جامعه‌ای که هرمنای مخالفی را در آن به بهانه "آرامش و امنیت" در گلو خفه نخواهد نمود. آری طرفداران دیکتاتوری پرولتاریا برای ساختن چنین جامعه‌ای جان برکف میزنند و در این رزم هرگز توده‌ها را با معجون‌هایی مثل "سوسیالیسم دمکراتیک" فریب نداده و از هم اکنون به آنها میگویند که اگر امروز باید برای سرنگونی سرمایه ناری و رسیدن به قدرت بجنگند پس از رسیدن به قدرت نیز برای سرکوب مقاومت استثمارگران که چون از قدرت پرافتاده‌اند درها بارها تروده‌اند، باید صفا برابر مسلح شده و با سرکوب قاطع استثمارگران از بازگشت فاجعه‌بار سرمایه ناری جلوگیری کنند تا راه برای رسیدن به جامعه کمونیستی هموار گردد. جامعه‌ای که در آن به دلیل فقدان مناسبات تولیدی استثمارگرانه و فقدان طبقات حتی نیازی به دیکتاتوری انقلابی کارگران نخواهد بود.



حاضر که خواست خوابگاه دانشجویان شدیداً در بین دانشجویان مطرح میباشد دانشجویان آگاه و انقلابی باید روی این خواست تاکید نموده و اعتراضات دانشجویان را در این رابطه سازمان دهند در عین حال آنان باید کاملاً هشیار باشند که از رخنه انجمن‌های اسلامی و دیگر ارگانهای رنگارنگ ضد انقلابی و سرکوبگر رژیم بداخل جنبش دانشجویی جلوگیری نموده و مانع از آن گردند که ارگانهای ضد خلقی رژیم بر زمینه خواستهای بزح دانشجویان در جهت مقاصد خویش بهره‌برداري نموده و آن مبارزات را به هرز ببرند.



که هیچ چیز نیست جز دولت یک نظام جا برانسه و آنها در آخرین مرحله رشد این نظام یعنی امپریالیسم - نظامی که با استثمار و غارت توده‌ها و سرکوب و هفیانده مبارزات آنها نه تنها در فرانسه بلکه در چهار گوشه جهان به زرانسوزی مفضول است - رسواتر از آن میباشد که بتوان آن راه حسی در زورق "سوسیالیسم دمکراتیک" به توده‌های آگاه قالب کرد. ولی اگر میبینیم که رهبری حزب دمکرات علیه هم این واقعیات بازهم با وقاحت تمام، دیکتاتوری بورژوازی را به نام سوسیالیسم و آنها از نوع دمکراتیک عرضه میکنند، این را باید تنها به حساب ریاکاری و در همان حال حماقت این رهبری گذاشت.

وقتی که حزبی امپریالیسم فرانسه را به جامعه آرمانی خود و "میتران" را هم منطفا بعنوان سمبل دمکراسی و رهبر ساختمان آن جامعه آرمانی به توده‌ها معرفی میکند، باید هم بر علیه دیکتاتوری پرولتاریا ناسخن داده و از استالین بعنوان سمبل دیکتاتوری نام ببرد. ولی این ریاکاری جز با پوزخند توده‌ها مواجه نخواهد شد.

در پایان لازم است به رهبران حزب دمکرات یادآوری کنیم که از آنجا که نظام سرمایه ناری الزاما بسوسیالیسم بمثابه فاز اول ساختمان جامعه کمونیستی تبدیل میشود و از آنجا که هیچ گزیزی از این ضرورت تاریخی وجود ندارد، بنا بر این جامعه آرمانی او یعنی نظام سرمایه ناری در زورق سوسیالیسم دمکراتیک نیز الزاما در جریان مبارزه طبقاتی جای خود را به جامعه سوسیالیستی داده و این ضرورت از طریق پیروزی طبقه کارگر در انقلاب و اعمال دیکتاتوری این طبقه - چه به مذاق حزب دمکرات خوش آید چه

#### کمبود خوابگاه معضل دانشجویان

از صفحه ۱۱

خاری در چشم دشمنان آزادی تبدیل نمایند. آنها با دری این وظیفه بزرگ و با علم به این واقعیت که دیکتاتوری امپریالیستی موجود تنها با سرکوب خونین جنبشهای اعتراضی است که امکان بقا میباشد باید ضمن طرح خواستهای صنفی دانشجویان و پیشبرد اعتراضات و مبارزات دانشجویی در این رابطه، مبارزات خود را در جهت سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و قطع کامل سلطه امپریالیستی از میهنمان سمت و سو دهند. در حال

این مهم همچنان سستی کنند ، عناصر نفوذی و مشکوک که با رسوخ در برخی محافل دانشجویی برای دانشگاهها خوابگاهها دیده اند ، میدان عمل مناسبی خواهند یافت " و با " این سنگ جامعه ما است که دانشجویان دختر ما از داشتن یک خوابگاه مناسب و حتی نامناسب محروم باشند "

بلی بر چنین زمینه ای بود که تصرف ساختمان گویا متعلق به بسیج ضد خلقی رژیم توسط دانشجویان پلی تکنیک در جهت دستیابی به خوابگاه و پاسکوشی به یکی از نیازهای مبرم خویش صورت گرفت . هر چند که این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که هریک از سردمداران رژیم با توجه به تفادهای درونی خویش کوشیده اند از زمینه مذکور در جهت ملاحظه خویش بهره برداری نمایند .

در حال این واقعیتی است که رژیم جمهوری اسلامی نه تنها به نیاز دانشجویان در رابطه با تهیه خوابگاه برای آنان پاسخ نداده و از زیر بار این وظیفه شانه خالی نموده است بلکه حتی خوابگاههایی را هم که از گذشته وجود داشته در اختیار باصطلاح " نهادهای انقلابی " قرار داده است که بالطبع این " نهادهای " نیز با تعاحب ساختمانهای مزبور عملاً دانشجویان را از داشتن خوابگاه محروم ساخته اند . واضحتر آنکه علیرغم نیاز شدید دانشجویان به خوابگاه و اوضاعی که در فوق شرح داده شد ، سردمداران دزد و فاسد جمهوری اسلامی قصد دارند حتی بعضی از ساختمانهایی که در صورت در این سالها بعنوان خوابگاه در اختیار دانشجویان قرار داشته است را هم پس گرفته و با اعمال نفوذ در دستگاه قضائی باصطلاح " حکم " تخلیه آنان را صادر و در اختیار ارگانهای قرار دهند که خود برای چپاول مردم سازمان داده اند !! در تشریح بیشتر این موضوع بی مناسبت نیست به دو نمونه اشاره نمائیم .

نمونه اول مربوط به کوششهایی است که وزارت نفت صرف بازپس گیری ساختمانهای مینماید که هم اکنون در اراک بعنوان خوابگاه دانشجویی مورد استفاده دانشجویان قرار دارد . در این رابطه وزیر نفت رژیم در مجلس اعلام کرد " ساختمان مزبور به قیمت ۵۰ میلیون تومان برای استفاده کارشناسان خارجی شرکت نفت خریداری شد ، اما به محض اینکه ساختمان خریداری شد ، گروهی از دانشجویان حمله کردند و آنجا را گرفتند و هنوز هم در دست آنان است " و در ادامه سخنان خود میگوید " دانشجویان حتی حاضر نشدند نصف ساختمان فوق الذکر را به وزارت نفت تحویل دهند " بر این اساس روشن میشود که در آینده ای نه چندان دور وزارت نفت نیز قصد دارد با در دست گرفتن باصطلاح حکم تخلیه ، آن خوابگاه را به تصرف خود درآورد ، و عده دیگری از دانشجویان را بیخانمان نماید .

نمونه دوم مربوط است به تصرف خوابگاه دانشجویان دختر دانشگاه تربیت معلم واقع در خیابان لاله زار تهران از سوی دانشگاه آزاد اسلامی که همگان میدانند که رفسنجانی یکی از سهامداران عمده آن میباشد ، تصرف این خوابگاه در شرایطی صورت گرفت که بنا به گزارش کیهان در ساختمان مزبور " حدود ۱۶۷ دختر دانشجویی شهرستانی که فاقد هرگونه امکانات و محل مناسبی جهت اقامت هستند " سکونت داشتند . این

## کمبود خوابگاه معضل دانشجویان

از صفحه ۳۲

گرچه خود این سخنان با توجه به ماهیت رحمانی مزدور بروشنی مبین توجیهات رباکارانه مشول بسیج جمهوری اسلامی میباشد ، اما بهتر است اراجیف رحمانی را با سخنان امام جمعه قم مقایسه نمائیم تا دروغگوئی و تناقضات سردمداران رژیم در این زمینه هر چه بیشتر برملا گردد . امام جمعه قم پس از سرکوب خونین دانشجویان پلی تکنیک ، در مراسم نماز جمعه این شهر اعلام کرد : " حتی در صورت محق بودن ، کسی حق اجرای قانون بطور خودسرانه و بدون مراجعه به مقامات قضائی را ندارد " و به این وسیله تلویحاً روشن نمود که وی ساختمان مزبور را برخلاف رحمانی متعلق به بسیج میدانند و در واقع این بسیج ضد خلقی بوده است که پیش از این بطور " خودسرانه " و بدون مراجعه به " مقامات قضائی " آنرا تصاحب نموده است . با اینحال از نظر امام جمعه قم ، اگر چه دانشجویان پلی تکنیک در تصرف آن ساختمان از نظر " قانون " محق " بوده اند ولی به آنان در نحوه " اجرای قانون " ایراد وارد بوده است .

همانطور که ملاحظه شد سخنان فوق الذکر بخوبی تناقضات اظهارات سردمداران رژیم را در رابطه با مسئله مورد نظر نشان میدهد . تناقضاتی که خود انعکاسی از تفادهای درونی سران رژیم میباشد .

حال لازم است نگاهی به واقعیهایی بیافکنیم که اقدام اخیر دانشجویان پلی تکنیک بر زمینه آن صورت گرفته است . واقعیت آنست که کمبود خوابگاه دانشجویی همواره یکی از معضلات دانشجویان بوده است که در سالهای اخیر با توجه به ماهیت فدا انقلابی جمهوری اسلامی و به اعتبار سیاستهای ضد خلقی اش که تا کنون قدمی در جهت حل این معضل برنداشته ، ابعاد وسیعتری نیز یافته است .

در شرایطی که کمبود مسکن به یکی از معضلات بزرگ جامعه تبدیل شده و بهای اجاره یک اتاق ، آقدر افزایش یافته که حتی در صورت پیدا شدن چنین اتاقی ، کمتر دانشجویی توانائی پرداخت اجاره آنرا دارد و دانشجویان حتی با پذیرش تمامی کمبودهای زندگی در یک اتاق اجاره ای نیز توانائی تهیه آنرا هر روز بیشتر از دست میدهند ، مسئله وجود خوابگاه دانشجویی از اهمیت بزرگی برخوردار گشته و به یکی از خواسته های مهم دانشجویان تبدیل شده است ، خواستی که همچون بقیه خواسته های برحق دانشجویان از سوی جمهوری اسلامی بی پاسخ مانده است .

اهمیت وجود خوابگاه برای دانشجویان و عدم پاسکوشی رژیم به این مسئله ، حتی باعث گردید که قلمزنان " تیزبین " رژیم در روزنامه کیهان هشدار دهند " این نکته بسیار مهم و حساس بر همه تیزبینان روشن است که اگر مسئولان در انجام

به سبک و روش رژیم ددمنش جمهوری اسلامی با بیورش و خشیانه به دانشجویان و سرکوب خواستهای برحقشان) آیا ساختمانهای بهتر که بواقع جهت خوابگاه دانشجویی طرح ریزی شده باشد در اختیار آنان قرار میدهند؟ و با به ازای هر ساختمانسی که اشغال مینمایند، ساختمان دیگری، که بهر حال سرپناهی برای دانشجویان همردۀ خود در اختیار آنان قرار میدهند؟! پاسخ منفی این سوالات برای همه دانشجویان مبارز و آگاه روشن است.

با اینحال باید دانست که رژیم جمهوری اسلامی علیرغم همه پاسخهای منفی که به خواستهای دانشجویان میدهد و علیرغم همه بی توجهیهایش به شرایط زندگی و آموزشی دانشجویان شدیداً مایل است که بهر ترتیب ممکن از رشد مبارزات دانشجویان و ارتقا آگاهی آنان جلوگیری نماید. سرکوب خویش دانشجویان پلی تکنیک و مقابله با تصمیم دانشجویان تربیت معلم که پس از تخلیه این دانشگاه توسط عمال رژیم صورت گرفت در عین حال که بیانگر احتیاج دانشجویان به خوابگاه و اهمیت طرح این خواست در جنبش دانشجویی میباشد در همان حال نشاندهنده هراس و وحشت رژیم از اوج گیری اعتراضات دانشجویی و رشد مبارزات آنان میباشد. بهبوده نیست که در بحبوحه جریانات فوق الذکر و آن "حادثه تلخ" نماینده مشهد در مجلس فداخلفی بسنه همالگیهای خود هشدار داد: "ما باید بدانیم که حضرت امام خطاب به شورای انقلاب فرهنگی فرمودند، دانشگاه از امورات مهم است، هم برای ما، هم برای فدائیان".

براستی هم که دانشگاه از "امورات مهم" است اینسترا دانشجویان مبارز انقلابی در جریان مبارزات گذشته خلقهای ایران در دوران شاه به ارتجاع فهماندند - و مرتجعین دریافتند که چگونه خلقهای ستمدیده ایران با اعتبار مبارزات قهرمانانه دانشجویان - دانشگاه را سنگر آزادی نامیدند. پیشک مبارزات دانشجویی تا زمانیکه امپریالیسم و سگان زنجیرش بر جامعه ما سیطره دارند هرگز خاموشی نپذیرفته و همچنان نقش انقلابی خویش را در پیشبرد مبارزات خلق ایفا خواهد نمود. حال این وظیفه بر دوش دانشجویان مبارز و انقلابی ما قرار دارد که در شرایط دیکتاتور امپریالیستی موجود در شرایطی که رژیم فداخلفی توانائی پاسخگویی بسنه هیچیک از خواستهای توده های ستمدیده ما و از جمله دانشجویان ما را نداشته و هر هدای اعتراضی را با گلوله پاسخ میدهد، در دفاع از آزادی و دیگر خواستهای برحق توده های در زنجیر ایران بار دیگر بهر خروش و مصمم بیبا خیزند جایی که هر گونه آزادی و فریاد آزادیخواهی لگدمال مزدوران رژیم و مورد سرکوب و خشیانه آنان قرار میگردد دانشجویان ما باید در تداوم راه شهدای ۱۶ آذر سال ۳۲ و اول اردیبهشت سال ۵۹، جنبش دانشجویی را در پیوند با جنبش فدا امپریالیستی خلقهای ستمدیده مان همچون گذشته بسنه در صفحه ۹

دانشجویان باشنیدن این امر که دانشگاه آزاد اسلامی بسنه اعتبار سهامداری چون رفسنجانی قصد تصرف خوابگاه آنان را دارد، پرسیده اند "با اجرای حکم تخلیه این خوابگاه به کجا برویم".

لازم به توضیح است که تصرف خوابگاه مزبور توسط پلیس فدائی که علیرغم اعتراض دانشجویان به این امر صورت گرفت منجر به تحمیل دانشجویان دانشگاه تربیت معلم گردید.

با توجه به مطالب فوق روشن است که چگونه سردمداران دزد و فاسد جمهوری اسلامی و ارگانهای رنگارنگ این رژیم برای گسترش حوزه های نفوذ خویش بدون توجه به نیاز مفروض دانشجویان به خوابگاه به تصرف ساختمانهای میپردازند که هرچند "هیچگونه مناسبتی برای خوابگاه" هم نداشته باشند در حال تنها ساختمانهای مورد استفاده دانشجویان بمثابه خوابگاه میباشد. آخر سردمداران ریاکار رژیم آنقدر وقاحت دارند که در توجیه اعمال فدا انقلابی خویش در حق دانشجویان و اشغال خوابگاه های دانشجویی همچون رحمانی مشمول بسیج فدا خلقی اعلام کنند که "ساختمانی کسسه دانشجویان پلی تکنیک اشغال کرده اند، هیچگونه مناسبتی برای خوابگاه ندارد" و با در مطبوعات خویش چنان تمویزی از یک خوابگاه دانشجویی ارائه دهند که هر خواننده ای با اصطلاح مجاب گردد که برآستی آن ساختمان مناسبتی با یک خوابگاه دانشجویی ندارد. پلی مطبوعات رژیم خوابگاه دانشجویان دختر دانشگاه تربیت معلم را اینچنین ترسیم کرده اند: "زیر زمین این ساختمان چهار طبقه که فاقد هرگونه هواکش و نور کافی است و سقف آن نیز یک مترو هفتاد سانت است، بسنه عنوان محل سکونت دانشجویان در نظر گرفته شده است. در اتاقهای زیرزمین کابل های برق و لوله های فاضلاب جلب نظر میکند. همچنین ساکنان کثیر هر اتاق که گاه تا ۱۴ نفر در یک اتاق میروند، امکان هرگونه آسایشی را از ساکنان آن سلب کرده است".

آیا چنین تمویزی از یک خوابگاه دانشجویی خود داغ زندگی بر پیشانی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی نیست چرا دانشجویان ما باید چنان در شرایط بی مسکنی و بی سرپناهی بسر ببرند که مکانی را که نه نور دارد و نه هواکش و حتی لوله های فاضلاب در آن تعبیه شده است، بمثابه خوابگاه مورد استفاده قرار دهند؟ و تازه سردمداران فاسد رژیم چشم دیدن چنین "خوابگاه" ای را هم برای دانشجویان نهاشته و ریاکارانه تحت عنوان این ساختمان "مناسبتی برای خوابگاه ندارد" آنها از دست دانشجویان غارت نمایند! پرسیدنی است که اگر سردمداران رژیم بدلیسل مناسب نبودن ساختمانهای مزبور برای خوابگاه به اشغال خوابگاه های دانشجویان پرداخته و با از به اختیار گرفتن آن ساختمانها توسط دانشجویان ممانعت مینمایند (و البته

پیش بسوی تشکیل ارتش خلق

## اعتصاب و درگیری در کارخانه جوراب آسیا

کارگران خشمگین به هادی غفاری و دارودسته اش بیورش برده و در جریان درگیری شدیدی که پیش آمد، هادی غفاری و دارودسته اش به شدت مضروب گردیده و کارگران در جریان درگیری حتی عیای او را بدور گردنش پیچیده و تا مسافتی او را در محوطه کارخانه بر روی زمین میکشند. تا جایی که هادی غفاری به غلط کردم گوئی میافتد و آنگاه کارگران وی را نیز همانند تشکری مدیرعامل کارخانه، با خفت تمام از کارخانه بیرون میاندازند.

در حالیکه هادی غفاری بر اثر شدت جراحات وارده در بیمارستان بستری میگردد، کارگران برای رسیدن به خواستههایشان به اعتصاب ادامه میدهند و اعلام میکنند که تا رسیدن به خواستههایشان به سرکار باز نخواهند گشت.

یکپارچگی کارگران و عزم آنها در تداوم اعتصاب و انعکاس درگیری کارگران مبارز کارخانه جوراب آسیا با مدیرعامل و هادی غفاری و پاسدارانش، در سطح جامعه و سازمان هادی غفاری مسئول بنیاد الهادی را مجبور ساخت که با خفت و خواری، در مقابل کارگران عقب نشینی نموده و با تغییر مدیر عامل کارخانه موافقت نماید.

لازم به یادآوری است که مطبوعات رژیم، غیر عیادت کرویسی از هادی غفاری در یکی از بیمارستانهای تهران را درج نمودند، البته بدون اینکه بنویسند هادی غفاری بر اثر ضربات کارگران رزمنده کارخانه جوراب آسیا در بیمارستان بستری گردیده است.

انعکاس این واقعه در سطح جامعه، روزنامه رسالت را واداشت تا برای لاپوشانی قدرت رزمنده کارگران، مسئله تعویض مدیرعامل کارخانه را درخواست انجمن اسلامی و شورای اسلامی کارخانه مزبور و پذیرش این درخواست از سوی هادی غفاری - پس از انتقاد کارگران به مدیرعامل سابق - جا زده و بدون اعلام اعتصاب و درگیری کارگران و دلایل آن، تنها با درج خبر کوتاهی در ۱۱ مهرماه اعلام کند که کارخانه جوراب آسیا با تغییر مدیرعامل به کار خود ادامه میدهد.

اعتصاب و درگیری کارگران مبارز کارخانه جوراب آسیا، یکبار دیگر قدرت رزمندگی طبقه کارگر را به عینت به سرمایه داران زلوصفت نشان داده و بار دیگر با وضوح ثابت نمود که زمانیکه کارگران بها خیزند و متحدان جریکهای تولید را از حرکت باز دارند، چه وحشتی سرمایه داران را فرا نمیگیرد.

کارگران مبارز کارخانه جوراب آسیا (استارلایت سابق)، در پی تعدیات و فشارهای روزافزون صاحبان کارخانه و عدم پاسخگوئی مدیرعامل کارخانه به درخواستهایشان، به یک اعتراض دستجمعی مبادرت کردند.

در اوائل مهرماه، کارگران به خصوص در اعتراض به دریافت ۴٪ سود بابت قرض الحسنه پرداختی به کارگران، در سالن ناهارخوری کارخانه جمع شده و خواهان حضور مدیرعامل و ادای توضیحات او میشوند.

بدنبال تجمع کارگران در سالن غذاخوری، تشکری مدیر عامل کارخانه به همراه محافظ خود، بر اثر سر و صدای اعتراض کارگران در حالتی حاضر شده و سعی بجای توجه به اعتراضات کارگران و رسیدگی به درخواستهای برحق آنها، شروع به تهدید آنها و فحاشی بر علیه کارگران مینماید. فحاشیهای مدیرعامل کارخانه، با اعتراض کارگران مواجه شده و کاسه صبر آنها را لبریز میکند. در نتیجه کارگران بطور یکپارچه بسوی او حمله نموده و پس از آنکه او و محافظش را حسابی گوشمالی میدهند، جناب مدیر عامل را به طرز رقت باری از کارخانه بیرون میاندازند و با اعلام اعتصاب، خواهان رسیدگی به خواستههایشان که حال تغییر مدیرعامل کارخانه نیز به آنها اضافه شده بود، میگردد.

از آنجا که کارخانه جوراب آسیا یعنی همان کارخانه استارلایت سابق، جزء بنیاد الهادی میباشد که تحت مسئولیت هادی غفاری این رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی اداره میگردد، و از آنجا که تشکری مدیر عامل کارخانه نیز از ابادی هادی غفاری بوده که به اعتبار برخواستن او در گذارگریش از سوی غفاری به این سمت برگزیده شده بود، روز بعد هادی غفاری به همراه پاسداران مسلحش به کارخانه میآیند.

هادی غفاری در اجتماع کارگران، بجای پذیرش خواستههای عادلانه آنها که تعویض تشکری نیز از جمله آنها بود، به دفاع از تشکری پرداخته و شروع به فحاشی نسبت به کارگران نموده و ضمن تهدید آنها که باید به سرکار برگردند خطاب به کارگران میگوید اگر به اعتراضات خود ادامه دهید "سرب داغ در گلوهایتان خواهم ریخت" و در ادامه تهدیدهایش اضافه میکند که دستور میدهم: "در همینجا اعدامتان کنند".

اراجبند و فحاشیهای هادی غفاری، با اعتراض کارگران مواجه گشته و باعث تشدید خشم و انزجار آنها میگردد و کارگران خشمگین و بجان آمده را و میدارد که همچون تشکری، درس فراموش نشدنیای نیز به هادی غفاری بدهند. در نتیجه



## خوشبخت

"برای کارگران جهان"

چه کسی از من خوشبخت تر است ؟  
آسمانی دارم بسیار وسیع، با هوایی مطبوع  
- لاجوردین است و چشم‌نواز -  
چشم‌اندازی دارم بر دریاها و بر ماهی  
همه‌شان مال منند!

خانه‌ای دارم تابستانی و فراخ  
و تراسی رو به سوی مغرب -  
که تماشاگاه خورشید من است  
خانه‌ای هم دارم که زمستانی است  
این یکی حرف‌ندارد دیگر  
سر و کارم همه با اعیان است  
مردمانی را می‌شناسم ثروتمند  
همه‌شان، همچون من  
خانه‌هایی اشرافی دارند  
شغل‌هایی بسیار مهم در دولت  
نوکرانی دست‌برسینه و آماده خدمت دارند  
ماشین‌هایی بسیار گران قیمت دارند  
و حساب‌هایی بسیار بسیار کلان در بانکها  
می‌شناسم من همه اینها را

+ + +

پرده دیگر خوشبختی‌هایم اینها هستند  
- خوب دقت کنید -

کارگر بودم در معدن مس در کرمان  
سالها هست که از سرفه سل در رنجم  
کمرم هم دیسک آورده‌است

دستهایم میلرزد  
 نور چشمم هم کم شده است  
 کودکانی دارم بسیار عزیز  
 همه شان گور و گور و لال و شلند  
 و نمیدانند که مدرسه چیست  
 و نمیدانند که بیفتک چیست  
 و نمیدانند که پُفک -  
 خوردنی است یا که خود جن و پری  
 با همه نوع بیماری هم آشنا هستند  
 خرجشان هم بسیار کم است  
 این یکی اعظم خوشبختیهاست  
 شغل بسیار مهمی دارم  
 من در این وانفسای بیکاری  
 بین این خیل عظیم بیگار  
 که به آن ارتش بیگاران میگویند  
 پس از آنی که از معدن مس رانده شدم  
 شغل خوبی گیر آوردم  
 روی آشفالستان میگردم هر روزه  
 تا که نانی یافته -  
 کودکانم را از مرگ رها می بدهم.  
 کور باد دیده تنگی که به خوشبختی من رشک برد!  
 پرده کامل خوشبختیهایم را باید -  
 به قابستان برد  
 و از آن پوستری ساخت  
 روی بام یک فابریک آوبخت  
 و به دیوثان گفت:  
 من حقوقم بسیار زیاد است آقایان  
 سر پیری -  
 این همه پول به چه کارم میآید!!

روانه میکنند .

در نمدار با مهدوی کنی، نمایندگان معلولین با تشریح وضع نابسا مان خویش و با تاکید بر اینکه آنها در جریان جنگی که رژیم سالها آنها «جهاد» مینامید، بخشی از اعضای بدن خود را از دست داده اند از او میخواهند که قرار مزبور را لغو و از تعطیل آسایشگاه آنها که تنها بناهگاه و محل زندگی شان میباشد جلوگیری نماید . اما مهدوی کنی جنایتکار علمبرغم تمامی تا کلمات معلولین و از پذیرش درخواست طبیبی آنها خودداری نموده و این ملاقات بدون نتیجه پایان مینماید .

سرانجام چندی بعد با اسداران جنایتکار جمهوری اسلامی برای اجرای قرار رژیم مبنی بر تعطیل آسایشگاههای معلولین در تهران به آسایشگاه فوق رفقه و از معلولین میخواهند که ساختمان مزبور را تخلیه نمایند . معلولین در برابر نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به مقاومت پرداخته و از تخلیه ساختمان خودداری مینمایند . بر نتیجه با اسداران به معلولین جنگ ایران و عراق پوری برده و تصمیم میگردد به اجبار آنها را از ساختمان مزبور خارج سازند ، به این دلیل درگیری بین معلولین جنگی و با اسداران روی میدهد . در این هنگام در شرایطی که با اسداران جمهوری اسلامی با قسوت تمام در حال ضرب و شتم معلولین بودند ، یکی از آنها از فرصت استفاده کرده و موضوع درگیری را از طریق تلفن به پلیس اطلاع میدهد .

پلیس دخالتی تهران نیز بعد از مدتی وارد قضیه میشود و اما با اسداران به آنها میگویند که حق دخالت در مسئله را ندارند و پلیس نیز بنا به ماهیت سرکوبگرانه خویش در قضیه دخالت نکرده و دست با اسداران را در ضرب و شتم معلولین باز میگذارد . سرانجام با اسداران معلولین آسایشگاه مزبور را با صندلیهای چرخدارشان به طرز فجیعی به مأمینهای خود منتقل کرده و آنها را از ساختمان مزبور خارج میسازند .

در بین راه و در سر یکی از چهار راهها یکی از معلولین از فرصت استفاده کرده و با صندلی چرخدارش خود را از مأمین با اسداران بهسرون انداخته و شروع به داد و فریاد و استمداد از اهالی مینماید . این امر باعث تجمع عابرین گفته و آنها در اعتراض به با اسداران میگویند که این بیچاره ها را ولعنان کنید مگر آنها چه کرده اند ؟ اما با اسداران جمعیت را با تهدید به اسلحه پراکنده ساخته و میگویند اینها دیوانه اند و

## درباره ضرب و شتم معلولین جنگی در تهران

یکی از نتایج مهمتناك جنگ امپریالیستی ایران و عراق وجود هزاران انسانی است که در میدانهای این جنگ ارتجاعي بخشی از بدن خود را از دست داده و ناقص العضو و معلول گفته اند . اینها که بخشی از قربانیان جنگ بوده و معلولین جنگی نامیده میشوند ، در خالیکه سلامتی خود را از دست داده و همچون گنفته توانائی تامین معاش خود را ندارند در سطح جامعه پراکنده بوده و در شرایط بس مهمتناكی زندگی میکنند و رژیم ددمنش جمهوری اسلامی بنا به ماهیت ضد مردمی علمبرغم تمامی تبلیغات فریبکارانه ای که در رابطه با ضرورت رسیدگی به زندگی آنها به راه میاندازد بدون پذیرش هیچگونه مسئولیتی در این رابطه آنها را به دست سرنوشت سپرده است . این رژیم اگر در طول جنگ به دلیل حفظ روحیه نیروهای در جبههها و ایجاد خوراك برای دستگا همسای تبلیغاتی خود عده ای از آنها را در معدود آسایشگاههای موجود زیر پوشش قرار داده بود حال با پایان یافتن جنگ بهسرمانه قصد دارد همین تعداد محدود را نیز به امان خود رها کرده تا به اصطلاح در هزینههای دولتی صرفه جویی کرده باشد . در همین رابطه اخیرا مقامات رژیم دستور داده اند که تمامی آسایشگاههای معلولین در تهران به دلیل هزینههای گزاف اداره آنها باید تعطیل و ساختمان آنها برای امور دیگری مورد استفاده قرار گیرد . سلسله است که این تصمیم ارتجاعی و ضد انقلابی و اقدامات ددمنفانه ناعی از آن موجب انزجار و نفرت معلولین جنگی مستقر در آسایشگاهها از رژیم جمهوری اسلامی گفته و خشم و نفرت آنان را برانگیزد . آنچه در زیر میخوانید گزارشی بر خورد اعتراض معلولین یکی از آسایشگاههای تهران در این رابطه میباشد .

معلولین یکی از آسایشگاههای تهران به محض اطلاع از تصمیم مقامات رژیم مبنی بر تعطیلی آسایشگاهشان به اعتراض پرداخته و دو نفر را به عنوان نماینده خود انتخاب و برای ملاقات با مهدوی کنی که مسئولیت این آسایشگاهها را دارد





# کیهان

شبه ۱۳ آبان ۱۳۶۸

توسط مأموران کلتوری ۱۴ پلیس تهران دو کیف ربای هر فضای، صبح امروز برای متنبه شدن در مسیر چند خیابان تهران گردانده شدند

و چهارماد در چهار کلبه‌های تهران...  
۵- هزار نفر جمعیت...  
استانته و امانی...  
تمام و زمینهای...  
شده که نیز از این...  
منطقه متنبه...  
از این...  
می‌کند...  
دکتر...  
فدائی...  
رعی...  
سایه...  
پراچین...

## یوار سحر و پرو میترا

نوشته  
میرزا...  
چند...  
این...  
برای...  
۱۵۰...



حاضریم اما با این اجاره خونه ما  
این نرخ نخود و لوبیا و برنج آیا  
برای ۸ ساعت کف ۱۵۰ تومان

## رسالت

۲۰ آبان ۱۳۶۸  
معتبر عامل و دوتن از مسئولین اسبق شرکت صنایع  
اراک دستگیر شدند

یکی به دیگری می‌گوید: تو همان نویسی که در زمان  
حیات امام هر اظهار نظر کننده و هر صاحب نظر اشکال کننده‌ای  
را ضد ولایت فقیه می‌خواندی و می‌گفتی طرح محض باید  
بود؟ چرا حالا خلوت به اصطلاح اظهار نظر و اشکال  
می‌کنی؟ دیگری به او می‌گوید: تو همان نویسی که در  
زمان حیات امام از اظهار نظر و بیان اشکال و سوال حمایت  
می‌کردی و بیان این عمل به ضد ولایت فقیه بودی، قدرت  
و هرگونه اظهار نظر و طرح اشکال و سوالی را ضعیف  
می‌دانستی و خدا و پیغمبر و ولایت فقیه تالی می‌گفتی؟  
با اسلام و خدا و پیغمبر و ولایت فقیه تالی می‌گفتی. در حق  
یکی می‌خواهد از سیاست خارجی انتقاد کند. در حق  
انتقاد، همان برادرانه و الفاظ دوستانه را به لحن و لفظ  
برخاستگرانه و اتهام زننده نزدیک می‌کند و به گونه‌ای سخن  
می‌گوید که گویی ذی حیانت و وابستگی وصول از اصول  
در میان است و استعمار جهانی هر شب به فلاکت و بهمان  
شخص تلقین می‌کند و خط می‌دهد!  
دیگری می‌خواهد از سیاست خارجی دفاع کند. ناگهان  
سبک و بی‌بازی طبیعی و لحن و لفظ منطقی و مودت‌آمیز را  
تحت‌الشعاع برچیزد و سخن فرار برده و مغلوط و مظلوم  
به اهرام الفاظ و منطوق کلام یا در مظلوم و مغلوط، توجه  
نمی‌دهد. در رود و تودر تهمت داغ می‌خورد. توجه  
نمی‌دهد. جمله چنانست که گویی  
است و هر شب  
تلاش...

اطلاعات  
تهران فدائی...  
تفکراتی...  
مجلس...  
۱۳۶۸

اطلاعات  
مرکز...  
۲۰...  
سیاسی...  
اسلامی...  
زنجان...  
بانه...  
کشاورزی...  
آلات...  
از شبکه...  
۵۸۷...  
بهبود...  
آورد...

## گزیده‌هایی از رادیو صدای چریکها

اوج ورتکنتکی جمهوری اسلامی

درباره پرداخت

۱۳ آبان

در نقض حقوق بشر در ایران و

۵۶۷ میلیون دلار از سوی

روز دانش آموز

تلاشهای مذبوحانه رژیم

آمریکای جمهوری اسلامی

گرامی باد!

۶۸/۹/۶

۶۸/۸/۲۲

۶۸/۸/۱۳

در شرایطی که کوس رسواشی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، در شکنجه و سلاخی کردن زندانیان سیاسی قهرمان بیش از هر زمان دیگر در افکار عمومی بین المللی شناخته شده است، و در حالی که جیلاب خون با کثرین فرزندسان انقلابی خلق از سباهانهای قرون وسطای این رژیم بطور روزمره همچنان جاری است، سردمداران جمهوری اسلامی برای لاپوشانی چهره چنابتکار خویش به شگرد تبلیغاتی جدیدی متوسل شده‌اند.

در همین رابطه درحالی که این روزها در گزارش سالانه سازمان ملل بار دیگر به بخش کوچکی از نقض چنابتکارانه ابتدائی ترین حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی اعتراف گشته، کمال خسروازی نماینده رژیم در سازمان ملل، طوسی نامه‌ای خواستار بازدید ما موران کمیته حقوق بشر سازمان ملل از ایران شده است. البته در این دعوت نامه، رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی به هیچ تاریخ معینی برای عملی نمودن این بازدید اشاره نکرده است، اما نکته قابل تامل اینجاست که رژیم جمهوری اسلامی در شرایطی به این اقدام دست یازیده است که تاکنون در طول سالها به انحاء

طی روزهای اخیر مساله بازپرداخت بیش از نیم میلیارد دلار از دارا شیهای توده‌های محروم ما از سوی امپریالیسم آمریکا به جمهوری اسلامی، به یکی دیگر از سوزهای تبلیغاتی امپریالیستها و بنگای خیر پراکنشی‌شان تبدیل شده است. مبلغ مزبور بخش کوچکی از میلیاردها دلار مایملک شناخته شده خلقهای تحت ستم ماست که سالهاست از سوی امپریالیسم آمریکا بلوکه گردیده و جریان دعاوی مربوط به آن به دادگاه بین المللی لاهه ارجاع شده است.

ظرف چند سال گذشته امپریالیسم آمریکا در این دادگاه و به برکت حاکمیت رژیم مزدور جمهوری اسلامی، موفق شده که غصب مبالغ هنگفتی از دارا شیهای توده‌های زحمتکش ما را به نفع خویش بتدریج قانونیت بخشد. به شکلی که در جریان به اصطلاح حل و فصل دعاوی مختلف بین ارباب و نوکر در این مرجع، بر سر دارا شیهای مسلم خلقهای تحت ستم ما، در مورد متعددی جمهوری اسلامی قبول نموده که بخشهایی از حقوق توده‌های محروم ما را به نفع آمریکا به تاراج دهد، اما اخیراً در یک مورد از دعاوی مزبور امپریالیسم

۱۳ آبان، روز دانش آموز یادآور از جان گذشتگیها، رشادتها، قهرمانیها و حماسه خونین هزاران تن از دانش آموزان مبارز میهنمان در سال ۵۷ میباشد. ۱۳ آبان اوج همبستگی جنبش دانش آموزان با مبارزات انقلابی توده‌های کارگر و سایر اقشار تحت ستم میهنمان بر علیه رژیم شاه است. در این روز دانش آموزان مبارز ما مدارس را به سنگرهای علیه سیاستهای سرکوبگرانه و امپریالیستی مزدوران شاه تبدیل نمودند و هنگام با توده‌های رزمنده ما با مشتای گره کرده به خیابانها آمدند و با سردادن شعار مرگ بر امپریالیسم، مرگ بر شاه کینه و نفرت بی پایان خود را از سگان زنجیری امپریالیسم و سلطه اهریمنی امپریالیستها بر میهنمان نشان دادند. اما هنگامی که دانش آموزان مبارز ما در جریان تظاهرات خویش به سوی دانشگاه تهران حرکت کردند، مزدوران رژیم شاه وحشیانه آنها را با سلاحهای آمریکائی خود به گلوله بستند و با به شهادت رساندن و زخمی نمودن سدها تن از دانش آموزان ما بار دیگر خیابانهای تهران را از خون دانش آموزان رنگین کردند.

توده‌های مبارز در صفوف مقدم نبرد قرار داشتند را نیز با به جوخه‌های تیرباران سپرد و با راهی سیاهالیهای خود کرد.

اینها شمشلی کلی از عملکرد رژیمهای وابسته به امپریالیزم شاه و جمهوری اسلامی در مقابل نفع و گسترش و رشد جنبش انقلابی میهنان منجمله جنبش دانش‌آموزی است و برآستی که جمهوری اسلامی در این راه از هیچ جنابیتی روی گردانی نکرده و نمی‌کند. امسال دانش‌آموزان میهنان در شرایطی خاخره شهدای ۱۳ آبان را گرامی میدارند که مدارس تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی در یکی از خلفان با رترین شرایط خود قرار دارند. جمهوری اسلامی با گسترش سلطه امپریالیستی خودش در مستدارس همچون گذشته به تقویت اهرمهای سرکوبگرانه خود مشغول بوده و با وسعت بخشیدن به میزازه خود در مستدارس، فضای تیره و مفتظنی را بر دانش‌آموزان ما تحصیل نموده است. امروز دانش‌آموزان ما بیش از هر زمان دیگر زیر فشار و آزار و اذیت ارگانهای رنگارنگ رژیم در مدارس از جمله انجمن‌های اسلامی، معلمان امور تربیتی و دستگاههای گوناگون تفتیش عقاید در مدارس قرار دارند. اما وجود همین وضع وظایف سنگین تری را بر روی دوش دانش‌آموزان مبارز به عنوان ادا مدهندگان راه شهدای ۱۳ آبانها قرار میدهد. دانش‌آموزان مبارز ما باید با عدم تمکین به شرایط خفت‌بار حاکمیت بر مدارس، با بهره‌جویی از هر امکان مبارزاتی، در مقابل تحکیم دیکتاتوری امپریالیستی رژیم جمهوری اسلامی در مدارس مقاومت نمایند. دانش‌آموزان مبارز ما میبایست ضمن اعتراض بر علیه عملکردها و سیاستهای ضد خلقی رژیم و افشای این سیاستها خود را برای برداشتن گامهای بزرگتری در مبارزه بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و برای سرنگونی این رژیم آماده سازند.

دوران رسیده امپریالیزم بعنصری سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و در رأس آنها خمینی معذوم، خیلی زود برای توده‌های آگاه روشن شد که دارودسته جدید نیز وظیفه‌ای جز به انحراف کشیدن و کنترل مبارزات جاری توده‌ها بر علیه نظام امپریالیستی ندارند و دیسری نکشید که دم خروس از زیر عبای ملاهای ریاکار بیرون زد. رژیم جمهوری اسلامی با لشکرکشی به کردستان و سرکوب مبارزات توده‌های مبارز ما در سراسر کشور با وضوح تمام روشن ساخت که در مقابله با مبارزات روبه‌رشد انقلابی توده‌ها همان راهی را میسرود که رژیم وابسته شاه پیش گرفته بود. توده‌های مبارز و دانش‌آموزان آگاه با اتکا به تجربیات و آگاهی انقلابی‌شان به تدریج پی بردند که رژیم جمهوری اسلامی همچون رژیم شاه رژیم وابسته به امپریالیزم است. چراکه این رژیم ددمش نه تنها به انجا گوناگون در تلاش برای حفظ سلطه امپریالیزم بود بلکه جنابیتکارانه به سرکوب مبارزات فد امپریالیستی آنها نیز میپرداخت تا در پناه آن هرچه بیشتر نظام سرمایه‌داری وابسته را از زیر موج خروشان مبارزات توده‌ها محفوظ نگه دارد. در این میان دانش‌آموزان پرشور و انقلابی ما در مدارس همچون سایر جاها از همان بدو حاکمیت رژیم جدید به جای ارگانهای سرکوبگر شاه انجمن‌های اسلامی و شورا‌های دست‌ساز مزدوران رژیم جمهوری اسلامی را در مقابل خود دیدند. آنها در مقابل پافشاری بر روی خواسته‌های برحقشان در مدارس منجمله فعالیتت سیاسی با ترفند عدم امکان فعالیتت سیاسی در مدارس و اخراج از مدارس از سوی مزدوران رژیم مواجه گشته و بالاخره در خداوم این روند بود که رژیم وابسته به امپریالیزم جمهوری اسلامی از ۳۰ خرداد به بعد با روی آوری به سرکوب عربان و مازمان یافته و گشتاری سابقه توده‌ها، هزاران تن از دانش‌آموزان و دانشجویان مبارز ما که همبای سابر

توده‌های خشمگین ما با سرروی دست‌گرفتن پیگرهای خونین فرزندندان انقلابی‌شان با خشم و کین دو چندان نسبت به رژیم جلاذ پهلوی به تظاهرات انقلابی خود گسترش هرچه بیشتری بخشیدند. چنانکه فردای همان روز شاه جلاذ این مزدور کثیف امپریالیستها با قیافه‌ای وحشت‌زده و دستانی لرزان در ظروفیون ظاهر شد و گفت: "من هم صدای انقلاب شما را شنیدم."

با رشد جنبش توده‌ای بعد از ۱۳ آبان دولت ریاکار و سرکوبگر شریف‌امامی سقوط کرد و دولت نظامی از هاری بر سرکار آمد تا با توسل به تشدید اعمال سرکوبگرانه در مقابل گسترش روزافزون جنبش انقلابی توده‌ها مانع ایجاد شما به ولی انقلاب فد امپریالیستی خلفهای تحت سلطه شما قدرتمندتر از آن بود که امپریالیستها و سگهای زنجیریشان بتوانند به این آسانها خاموش کنند. با رشد و گسترش مبارزات توده‌ها جهت براندازی سلطه امپریالیزم پیوند جنبش دانش‌آموزی و مبارزات خلقهای زحمتکش نیز عمق و فضای هرچه بیشتری یافته تا جاشیکه در مقطع قیام که دانش‌آموزان مبارز ما با شوری انقلابی چه در خاخرن گوناگون ملوتف و برپا کردن سنگرهای غیابانی و چه در حمله به مراکز ظلم و ستم امپریالیستی همچون پادگانها و کلانتریها و غیره فعالیت و پر شور شرکت میکردند، یکبار دیگر پیوند بین مبارزات دانش‌آموزان و توده‌های کارگر و زحمتکش به نمایش گذاشته شد. در این میان امپریالیستها ناتوان از مهار مبارزات توده‌ها به سیاست محیلانه‌ای دست بازیدند و نزدیکارانه دست به یارگیری جدیدی زده و جمهوری اسلامی را بجای رژیم شاه بر مسند قدرت نشانند تا بدین طریق اسکانات بیشتری برای سرکوب انقلاب و حفظ منافع و نظام جا برانه‌شان بدست آورند.

پس از برسرکار آمدن سگان تازه به

جاودان باد خاطرۀ تمامی شهدای بخون خفته خلق!

دانش آموزان ما باید در انجام ایسن امر سترگ همچون گذشته تمامی پتانسیل خویش را به کار بندند و رژیم را در رسیدن به اهداف سرکوبگرانه اش با شکست روبرو سازند. بدون شک مبارزات شما دانش آموزان مبارز همگام و همصدا با مبارزات توده ها نوید بخش تحقق اهداف فدائی ۱۳ آبان و آینده روشنی برای توده های ستمدیده ماست.

صدای جریکها ضمن بزرگداشت مجدد این روز و گرامیداشت خاطره شهدای ۱۳ آبان، شهدائی که خون پاکشان به دست رژیم جلاد شاه به زمین ریخته شد و

جمهوری اسلامی ضدخلقی در مقابله باراه سرخ آنها بسیاری دیگر از دانش آموزان مبارز را به خاک و خون کشید. شهدائی که ایمان داشتند که در مبارزات انقلابی توده های تحت ستم ما برعلیه امپریالیزم، پیروزی از آن توده های متحد و مسلح ما خواهد بود و در این راه از نثار خون خویش دریغ نورزیدند. باریکتر بر پیوند ناگسستنی مبارزات دانش آموزان انقلابی با مبارزات طبقه کارگر تاکید میورزد.



## درباره پرداخت ۵۶۷ میلیون دلار از سوی آمریکا به جمهوری اسلامی

از صفحه ۱۸

امریکا موافقت کرده که مبلغ ۵۶۷ میلیون دلار به ایران پرداخت کند. البته بدون آنکه این مورد از سوی جمهوری اسلامی در دادگاه لاهه پیگیری و از سوی این ارگان حکمی صادر گردد. به عبارت دیگر معامله بر سر مبلغ فوق بین امریکا و جمهوری اسلامی، خارج از دادگاه به اصطلاح حل و فصل گشته است. آنهم در شرایطی که بر اساس گزارش خبرگزاریها در صورتیکه این دعوی نیز از طریق دادگاه حل و فصل میشد، امریکا سببایست مبلغ خیلانی بیشتری بپردازد. اما همانطوریکه اشاره رفت اعلام این معامله فرست جدیدی به پیش آورد تا بلندگوهای امپریالیستی موج جدیدی از گسارزار تبلیغاتی فریبکارانه را برعلیه خلقهای محروم ما سازماندهی کنند. آنها پرداخت مبلغ فوق را که بخشیی از دارائیهای مسلم توده های ماست، مستمکی ساختند تا با توسل به آن چهره گریه و سرسپرده رژیم جمهوری اسلامی را تزیین و واقعیت رابطه ارباب و نوکری بین امریکا و این رژیم را بار دیگر مستور سازند.

تبلیغات فوق میکوشد که این اشاعه در افروشی را در میان توده ها اشاعه دهد که رژیم مزدور جمهوری اسلامی رژیمی مستقل و فدا مهربالیست است و پرداخت مبلغ فوق از سوی امریکا به این رژیم، با هدف کمک جمهوری اسلامی برای آزادی گروگانهای امریکایی در لبنان صورت گرفته است. در چهارچوب چنین اهدافی هم بود که بوش بلافاصله پس از اعلام پرداخت این پول به جمهوری اسلامی، در یک کنفرانس خبری عنوان کرد که نمیدانند: آیا موافقت اخیر امریکا باعث کمک ایران به اقدامات مربوط به رهایی گروگانها خواهد شد یا نه" و اظهار امیدواری کرد که ایران از نفوذ خود در میان گروههای طرفدارش که گروگانها را در اختیار دارند برای رهایی گروگانها استفاده کند. همچنین جمهوری اسلامی ضدخلقی نیز برای اینکه از ایفای نقش خویش در گارزار فوق به منظور تحمیل توده های محروم ما عقب نمائند از زبان روزی نامه تهران تایمز خویش اعلام کرد که: پرداخت مبلغ فوق از سوی امریکا را هنوز گام لازم در راه ترغیب جمهوری اسلامی برای آزاد کردن

گروگانهای امریکایی در لبنان نمیدانند. بنابراین همانطوریکه مشاهده میشود امپریالیزم امریکا و رژیم سرسپرده جمهوری اسلامی هر یک به شکلی میکوشند که به کارگران و زحمتکشان ما بقبولانند که اولاً امپریالیزم امریکا میخواهد با پرداخت این مبلغ به رژیم "فدا مهربالیست" جمهوری اسلامی برای آزادی گروگانهای امریکائی باج بدهد، و جمهوری اسلامی به اصطلاح فدای امپریالیست هم برای این کار بناج بیشتری خواهد داد. اما برای اینکه بپوش این مدعا و کذب محض این تبلیغات عوامفریبانه روشن شود احتیاج به کوشش زیادی نیست. اولاً تجربه سالها هاکمیت رژیم جمهوری اسلامی به توده های تحت ستم ما بیروشنی آموخته است که اصولاً این رژیم محصول سیاستهای نواستعماری امپریالیستها و در رأس آنها امپریالیزم امریکا در منطقه و مبنای تحت سلطه ماست.

ثانیاً ما به کرات برای توده های آگاه توضیح داده ایم که سیاستهای این جمهوری اسلامی در سطح منطقه به پیش میرود، همچون سیاستهای این رژیم در داخل جامعه تحت سلطه ما، نه تنها کوچکترین تعارضی با منافع امپریالیستها و بالخصوص امریکا ندارد، بلکه اتفاقاً در آن راستا برنامه ریزی شده است. برای نمونه گاهی به نقش فطری جمهوری اسلامی در لبنان به روشنی بیانگر حقیقت فوق است.

اگر جوهر و چکیده سیاست امپریالیزم امریکا در لبنان، سرکوب جنبش خلق فلسطین و لبنان و به انحراف کشاندن مسیر مبارزه عالمانه این خلقها از طریق ایجاد جریانات ارتجاعی و تقویت موضع جریانات سازشکار و دولت های سرکوبگر منطقه در جهت تحکیم سلطه خود و... میباشد. نتیجه سالها نقش آفرینی رژیم مزدور جمهوری اسلامی در این منطقه جز انجام وظیفه برای خدمت به این اهداف و منافع نبوده و نیست. همه میدانند که حضور گسترده و فعالیتهای پاداران جمهوری اسلامی و دارو دسته های سیاسی ختای نظیر حزب الله و امل که امپریالیزم امریکا فعلاً از کانالهای نظیر جمهوری اسلامی

امرتغذیه و اداره آنها را انجام میدهد، در لبنان در طول سالها نتیجهای بغیر از تضعیف و سرکوب جنبش انقلابی در این خطه، کوشش برای به انحراف بردن مسیر آنها، تشنج آفرینی در خدمت به منافع امپریالیستها و غیره و غیره نداشتند و ندارد. و اتفاقاً در چنین چارچوبی و در حالیکه لبنان در طول سالها به گامون پیچیده تضادهای گوناگون تبدیل شده، وجود مسئلهای بنام گروگانهای غربی در این کشور بمنظور توجیه تشنج آفرینی و تداوم تجاوزگری امپریالیزم آمریکا و سایر شرکاء در این منطقه نه تنها لازم بلکه بسیار هم ضروری است. صرفنظر از اینکه وجود این گروگانها و داستان گروگانگیری دهها استفاده دیگر نیز برای جناحهای مختلف امپریالیستی داشته و دارد. سیاستی که امپریالیستها و در رأس آنها آمریکا به برکت داشتن گمان زنجیری ای نظیر جمهوری اسلامی قادر به پیشبرد آن در لبنان گشته اند. با توجه به توضیح مختصر این واقعیات است که میتوان فهمید چرا توجیه پرداخت بیش از نیم میلیارد دلار از سوی آمریکا به جمهوری اسلامی با استناد به مسئله گروگانها از اساس فلت و فریبکارانه است. چرا که بدون شک هر لحظه که منافع امپریالیستی بر این پایه قرار گیرد که وجود مسئلهای به نام گروگانهای آمریکایی و فرانسوی و ..... برای پیشبرد اهداف شناخته شده این دول غارتگر در لبنان ضرورتی ندارد و بیا برای منافع آنها مضر است، این پارامتر بلادرنگ و بدون در نظر گرفتن اراده رژیمهای مزدوری نظیر جمهوری اسلامی از سر راه برداشته خواهد شد. حال پرسیدنی است که به رسم فریبکارانهایی که در بالا شرح رفت، پرداخت بیش از نیم میلیارد دلار از سوی آمریکا به جمهوری اسلامی چرا و به چه دلیل صورت گرفت.

برای پیدا کردن پاسخ درست این سوال بهتر است قبل از هر چیز به توضیحات خود مقامات آمریکایی رجوع کنیم. جناب آبراهام سافیر مشاور حقوقی وزارت امور خارجه آمریکا که خود صحنه گردان اصلی این معامله با جمهوری اسلامی بوده است، در جمع برخی از همپالگهای خویش در کمیته فرعی مجلس نمایندگان آمریکا به

این سوال پاسخی ساده و روشن میدهد. وی در برابر اعتراض برخی از نمایندگان آمریکا میگوید: "رضایت ما برای انتقال مبلغ ۵۶۷ میلیون دلار به ایران از این حساب گامی قابل توجه است. چگونگی دعاوی مربوط به این حساب گامی تصفیه شده است و بنابراین با انتقال این مبلغ هیچ مدعی آمریکایی زبان نخواهد دید. اگر ما تصمیم می گرفتیم که این قضیه را از مجاری حقوقی دنبال کنیم فقط موفسوق میشدیم انتقال این مبلغ را به ایران بعهده تاخیر افکنیم. به جای این کار ما در مزارع پرهزینه دعا و محاکمه، صرفه جویی کردیم و به نتیجهای رسیدیم که به سود مدعیان آمریکایی است."

بواقع هم که حسابگری بورژوازی ایشان صحیح میباشد، چرا که در عبور از مزارع برخلاف بسیاری دیگر از موارد مالی مورد اختلاف، با هر تشنجی دادگاه بین المللی لاهه مجبور بود حق را به جمهوری اسلامی بدهد و اگر این مسئله در چارچوب دادگاه بررسی میشد بنا به اعتراف خود مقامات آمریکایی حتی میبایست مبلغی بیشتر به جمهوری اسلامی پرداخت میشد. چه، اصل مبلغ مورد دعا در این رابطه ۸۱۰ میلیون دلار بود. اما امپریالیسم آمریکایی و جمهوری اسلامی توافق کردند که رژیم جمهوری اسلامی ۵۶۷ میلیون دلار از این مبلغ را دریافت کند و ۲۴۳ میلیون دلار باقیمانده از حقوق فسخ شده خلقهای ما نیز با توافق جمهوری اسلامی به بسک حساب تضمینی دیگر ریخته شود و از آن برای پرداخت دعاوی حل و فصل شده بیسین دو طرف استفاده گردد!

بله این استیجایی از آن منافع واقعیای که باعث پرداخت مبلغ فوق از سوی امپریالیستهای آمریکایی در روزهای اخیر به جمهوری اسلامی شد. جالب توجه اینجاست که دو ماه پیش نیز در مسوود دعاوی شرکت ملی نفت ایران برعلیه شرکت نفت آمریکا اشلند که میسران آن ۷۵۰ میلیون دلار بود، جمهوری اسلامی تقبل نمود که با دریافت تنها ۳۲۵ میلیون دلار از ادامه تعقیب پرونده ۷۵۰ میلیون دلاری خود علیه شرکت مزبور صرف نظر کند.

و به این ترتیب روشن میگردد که در واقع آنچه که در این توافقات توسط

جمهوری اسلامی و اربابان آمریکا شیش پایمال میگردد، همانا حقوق عادلانه و مبالغ هنگفتی از دارائیهای مسلم توده های تحت ستم و محروم ماست. اما برای اینکه چنین تجاوزگری آشکاری از سوی آمریکا و رژیم جمهوری اسلامی بر علیه خلقهای ما لاپوشانی گردد، ارباب و نوکر هردو در تبلیغاتشان اینطور وانمود میکنند که ظاهراً آمریکا مبلغی را به جمهوری اسلامی در ازای کمک این رژیم برای آزادی گروگانها پرداخت کرده است. به این ترتیب از یکسو منافع سرشاری به جیب "مدعیان آمریکایی" طرف حساب جمهوری اسلامی میرود و هم جمهوری اسلامی مدخلقی بنا به ماهیت وابسته اش از حقوق شناخته شده خلقهای محروم مسا چشمپوشی میکند و بلاخره در طول تمامی این مضحکه نیز رژیم مزدور جمهوری اسلامی، رژیم مستقل و فداکاری جلوه میکند.

ضمن آنکه از سوی دیگر پرداخت این مبلغ از طرف آمریکا در خارج از دادگاه به گمان زنجیری امپریالیسم در ایران آنان را در لحظه فعلی در سرویسامان دادن به اوضاع آشفته و ورشکسته رزمشان و رفع جزئی از مشکلات عدیده و کمتر شکن اقتصادیشان تا حدودی یاری میدهد.

اینها برخی از نتایج عملی و حاصل نمایش با صلاخ فدا امپریالیستی است که آمریکا و جمهوری اسلامی آنرا بر علیه خلقهای ما به صحنه آورده اند. امینا بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیستها نخواهند توانست با این کارزار بسه تعمیق توده های تحت ستم و آگاه مسا موفق گردند. چرا که این نمایش همانطور که شرح رفت در بطن خود اتفاقاً یکبار دیگر ما هیت فریبکارانه تبلیغات امپریالیسم آمریکا و رژیم مزدور جمهوری اسلامی را در نزد خلقهای ما روشن میکند و بهره از سرسپردگی و رابطه دیوبند جمهوری اسلامی با آمریکا، برمیدارد.



## اوج و شکستگی جمهوری اسلامی در نقض حقوق بشر در ایران و تلاشهای مذبوحانه رژیم

از صفحه ۱۸

دوباره زندانیانی که حتی دوره اسارتشان به لحاظ قانونی به سر آمده، خودداری از تحویل کمترین امکانات درمانی و بهداشتی به زندانیان مریض و انواع و اقسام فشارهای دیگر اشاره گشته است. در همین حال در گزارش مزبور به این مسئله هم اذعان شده است که کم نیستند زندانیان سیاسی ای که تحت نام قاچاقچی و معتاد در جمهوری اسلامی اعدام گشته اند.

البته همانطور که بارها تاکید کرده ایم گزارش منتشره از سوی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد به خاطر ماهیت گردانندگان این ارگان بیانگر تمامی واقعیت جنایات رژیم جمهوری اسلامی در حق انقلابیون اسیر و سایر اقشار تحت ستم نبوده و نیست. اما انتشار همین گزارش هرچند ناقص به نوبه خود نشان میدهد گسسته اقدامات ضد خلقی رژیم تبهکار جمهوری اسلامی در حق خلقهای تحت ستم و انقلابیون اسیر دارای آنچنان ابعاد هولناکی است که کتمان و ماستمالی آن در افکار بین المللی بویژه برای داعیه داران دفاع از حقوق بشر به هیچرو امکان ندارد. بخصوص که آنها میکوشند با توسل به حقوق بشریستهای خاص خود را پیش برده و چهره جنایتکارشان را تطهیر نمایند.

صحت این واقعیت بخصوص هنگامی روشن میگردد که دریابیم به موازات انتشار گزارش سالانه سازمان ملل در مورد نقض حقوق بشر در ایران، ۱۲ دولت امپریالیستی جامعه اروپا نیز تصمیم به انتشار قطعنامه مشترکی در محکومیت جمهوری اسلامی، در این رابطه و ارائه آن به سازمان ملل گرفته اند.

بله در چنین شرایطی است که نماینده رژیم در سازمان ملل مجبور شده است که با ژستی فریبکارانه از بازمان

مختلف از جواب دادن به گزارشات منتشره در مورد نقض حقوق بشر در ایران و اعدامها و شکنجههای وحشیانه زندانیان سیاسی قهرمان شانه خالی نموده و بارها درخواست مجامع بین المللی و غیره مبنی بر اجازه دیدار از سیاهچالها و شکنجهگاههای مخوف جمهوری اسلامی را رد کرده است. و همین امر خود بخوبی نشان میدهد که جمهوری اسلامی از اقدام اخیر خویش نیز چیزی جز اهدافی فریبکارانه را دنبال نمیکند. بویژه اینکه این دعوت کلی هنگامی صورت میپذیرد که سازمان ملل در گزارش سالانه خویش راجع به اوضاع حقوق بشر در ایران که اخیراً منتشر شده بار دیگر جلوه های کوچک دلی به غایت وحشیانه ای از رفتار جمهوری اسلامی ضد خلق در حق انقلابیون اسیر و در بند و سایر توده های تحت ستم را متذکر شده است. در این گزارش با استناد به مدارک و شواهد غیر قابل انکار متعددی بار دیگر به وضوح روشن شده که صرف نظر از موج گسترده وحشتناک اعدامهای اعلام شده، شکنجه های قسرون و سلاخی نظیر شلاق زدن با سیم خاردار، آویزان کردن زندانیان، اعمال فشارهای روحی و عصبی، تجاوز به زنان زندانی، اعدامهای ساختگی و حتی شکنجه زندانیان علیلی که بر روی صندلی چرخدار بوده اند و غیره جزء لاینفکی از رفتار وحشیانه رژیم مزدور جمهوری اسلامی با زندانیان سیاسی قهرمان و سایر مخالفین خوبش در سیاهچالهاست.

در این گزارش دهشت انگیز که تنها به گوشه هایی از جنایات جمهوری اسلامی در حق انقلابیون و مخالفان این رژیم اختصاص دارد، و از جمله به محاکمه های سرپایی و چند دقیقه ای زندانیان و صدور حکم اعدام برای آنها، محاکمه

حقوق بشر سازمان ملل دعوت کند که برای اولین بار از شکنجه گاهای ایران تحت حکومت ددمنشانه جمهوری اسلامی دیدن کنند. جمهوری اسلامی بدین وسیله قصد دارد اینطور جلوه دهد که گویا این رژیم جنایتکار از آنجا که رفتار بسیار خوبی با زندانیان دارد، از این مسئله که ما موران سازمان ملل از زندانیان دیدن کنند، اجتناب ندارد. در صورتی که هرکس که اندک شناختی از ماهیت ضد مردمی و سرکوبگرانه این رژیم در یکدهه گذشته داشته باشد، بخوبی میداند که جمهوری اسلامی حتی به فرض اینکه مجبور به نمایش اوضاع زندانیان خویش در برابر رسانه های تبلیغاتی گردد هم به هیچرو واقعیت جهنمی این شکنجه گاهای مخوف را به آنها نشان نخواهد داد. چرا که اینکار تنها باعث بیشتر روشن شدن خونا لود و جنایتکار رژیم در عرصه بین المللی خواهد گشت که بطور روزمره هزاران تن از باکترین فرزندان انقلابی خلق را تنها به خاطر اعتقاد و پافشاری بر آرمانهای انقلابی خویش مورد شنیع ترین و کثیف ترین شکنجه ها و فشارها قرار میدهد.

بازدید واقعی و نه نمایشی از سیاهچالهای رژیم جمهوری اسلامی نشان خواهد داد که چگونه این رژیم ضد خلقی بطور روزمره گروه گروه از مخالفین سیاسی و توده های تحت ستم را از دم تیغ گذرانده و میکوزاند. بازدید از سیاهچالهای جمهوری اسلامی نشان خواهد داد که چگونه بندبند سلطه ضد خلقی این رژیم مزدور با شکنجه و اعدام و سرکوب گره خورده است. و بالاخره بازدید از واقعی از سیاهچالهای جمهوری اسلامی نشان خواهد داد که این رژیم ضد خلقی چگونه برای حفظ و حراست نظام امپریالیستی موجود از سبانه ترسین و خوفناکترین روشها و وسایل برعلیه جنبش انقلابی و عادلانه توده های تحت ستم استفاده میکند. گذشته از اینها، همه به خوبی میدانند که رژیم جمهوری اسلامی بنابه ماهیت وابسته به امپریالیستش آنقدر فریبکار و شاد هم هست که درست در همان زمانی که بعد از آتش بس در جنگ امپریالیستی ایران

بیطرفانه افکار عمومی بین المللی بگذارد.

در نتیجه چنین دیدارهایی تنها زمانی ارزشمند است که دیدارکنندگان امکان یابند اولاً تمامی سیاهچالهای جمهوری اسلامی را بدون اجازه دادن به صحنه سازی های تبلیغاتی رژیم آزادانه بازدید نمایند و ثانیاً چنین دیدارهایی جدا از هرگونه زد و بنسد سیاسی محرمانه صورت گرفته و نتایج آن بطور علنی اعلام گردد و تنها در چنین صورتی است که بخشی از جنایتها و فجایع دژخیمان جمهوری اسلامی در سیاهچالهای این رژیم بار دیگر در مقابل افکار عمومی جهانیان قرار خواهد گرفت.

که از تجاوز و اعدام زنان باردار و شکنجه کودکان خردسال برای اعتساف گرفتن از والدینشان نمیگذرد چگونه به نمایش این واقعات در افکار عمومی بین المللی تن خواهد داد؟ بنا بر همین واقعات هم هست که تاکتیک اخیر جمهوری اسلامی مبنی بر دستنوت از ما مورین ما زمان ملل برای دیدار از زندانهای جمهوری اسلامی جز با اهدافی فریبکارانه و ضد خلقی صورت نمیگیرد و این رژیم به عنوان بکر رژیم وابسته به امپریالیسم که دوام و بقای حکومتش تنها با ضرب زور و سرنیزه و به بنسد کشیدن و خفه کردن هرگونه صدای اعتراضی توده ها امکان پذیر گشته است، اصولاً هیچگاه نمیتواند و نخواهد توانست که خود را سا گوشه ای از واقعیت دیکتاتوری امپریالیستی خویش را به میان هولناکای که هست به معرض قضاوت

و عراق، در هر گوی و برزن چوبه های دار برپا ساخته بود و دهها هزار تن از زندانیان سیاسی را از دم تیغ میگذراند و قبحانه ادعای علو عمومی زندانیان سیاسی را میکرد و با همه بغویی میدانند که این رژیم آنقدر مزدور و درگوست که همین چندی پیش با ترتیب برنامه رهاکارانه ای تحت عنوان دیدار با اصطلاح خبرنگاران خارجی از سیاهچالهای جمهوری اسلامی و انتشار گزارشات به نقل از آنها مبنی بر اینکه در جمهوری اسلامی شکنجه و اعدام وجود ندارد، اینطور جلوه میداد که گویا تمامی گزارشات مبنی بر نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی دروغ میباشد. و جمهوری اسلامی بهترین رفتار را با مخالفان خویش دارد، و برآستی هم رژیمی که آنقدر وحشی و ددمنش است

## فراخوان مالی چریکهای فدائی خلق ایران

رفقای هوادار!  
دوستداران سازمان!

ما توجه به اینکه چریکهای فدائی خلق ایران در جهت پیشبرد برنامه های مبارزاتی خود با کمبود امکانات مالی مواجه اند و از آنجا که سازمان برای تحقق برنامه های مبارزاتی خود به کمکهای مالی رفقای هوادار و دوستداران خود متکی میباشد، لذا بر تمامی رفقای هوادار و دوستداران سازمان لازم است بطور جدی ما را در رفع مشکلات مالی یاری رسانند. از انجمنها و سازمانهای هوادار چریکهای فدائی خلق ایران در خارج از کشور نیز میخواهیم در پاسخ به این فراخوان با برنامه ریزی لازم به جمع آوری کمکهای مالی صادرات گس کرده و تمامی امکانات خود را در جهت حل سریعتر این مسئله بکارگیرید.

رفقای هوادار و دوستدار سازمان در خارج از کشور میتوانند کمکهای خود را از طریق نمایندگی سازمان در خارج از کشور ارسال نمایند.

با ایمان به پیروزی راهمان  
کمیته مرکزی چریکهای فدائی خلق ایران

## اخبار و

## گزارشهای خبری

با قاچاق نام میبرد، معاونت اطلاعاتی - عملیاتی این - قرارگاه در مصاحبه ای رادیویی گفت: "بخاطر وجود جریانات مشترکی که در استانهای سیستان و بلوچستان و کرمان و خراسان از سوی دشمنان انقلاب اسلامی در حال شکل گیری و جریان است" این قرارگاه ایجاد شده و "انشالله در آینده با بکارگیری امکاناتی که در رابطه با این طرح در نظر گرفته شده میتوانیم شرق کشور را از وجود اشرار پاکسازی کنیم و سطحی ایجاد کنیم که آنها در شرق کشور با امنیت نا امنی فعال نشوند" لازم به یادآوری است که مدتی است جمهوری اسلامی کنترل کاملی بر جاده زابل - زاهدان از ساعت ۵ بعد از ظهر به بعد ندارد.

- بونیس محمدی نماینده خرمشهر در مجلس گفت: "اگر روند بازسازی خرمشهر و روستاها اینگونه پیش برود بازسازی آنها صدها سال بطول خواهد انجامید."

- آخوند احمدی امام جمعه هرمزگان در رابطه با موافقت آمریکا با پرداخت ۵۶۷ میلیون دلار از داراییهای ایران گفت: "این عقب نشینی آشکار آمریکا شایسته جمهوری اسلامی و ملت انقلابی ما را نشان میدهد."

- مدیر کل زندانهای رژیم در خراسان اعلام کرد: "۳ زندان متمرکز در شهرهای بیرجند، شیروان و تربت حیدریه در مساحت ۱۲۵۰ هکتار ایجاد میشود. همچنین در آینده نیز ۴ زندان متمرکز در مشهد، سبزوار و نیشابور ایجاد خواهد شد." - مجمع امور صنفی و انجمن اسلامی مرکزی اصناف شهرستان بیرجند با ارسال تلگرافی برای گروهی رئیس مجلس خواستار لغو اعتبارنامه ابولحسن هاشمی زاده نماینده این شهر در مجلس شدند. در این تلگراف آمده است: "از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در این عصر و عصرهای آینده میخواهیم که اگر خدای نخواستہ عناصر منحرفی با دسیسه و بازی سیاسی و کالت خود را به مردم تحمیل نمودند، مجلس اعتبارنامه آنها را رد کند و نگذارد حتی یک عنصر خرابکار و وابسته به مجلس راه یابد."

- باپورش وحشیانه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به تظاهرات مردم در زان بهبهان حداقل ۲۵ تن جان خود را از دست دادند، و اعتراض آگاهی به سیاستهای رژیم به وحشیانه ترین شکلی سرکوب گردید.

- در اوائل آذرماه رئیس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل اعلام کرد که بر اساس اطلاعاتی که از ایران برای سازمان ملل ارسال شده است شماری از اعدایان یکسال گذشته در ایران که جمهوری اسلامی آنان را به عنوان قاچاقچی اعدام نموده است، زندانیان سیاسی بوده اند.

- در ۶ آذرماه نیروهای سرکوبگر رژیم در منطقه فیروزکوه و رباط کریم به مانوری دست زدند که هدف از آن را ایجاد امنیت و دفاع شهری در مواقع بروز حملات و مبارزه مسلحانه در شهر اعلام نمودند.

- به دکان یک حزب الهی در خیابان بیستم نجف آباد، در منطقه میدان خراسان تهران تارتکی پرتاب شد که در اثر انفجار آن حزب الهی مزبور به هلاکت رسید.

- در اعتراض به گرانی و کمبود مواد غذایی نظا هراتسی سرعلیه رژیم در جنوب شهر تهران رخ داد که بسا بیسورش وحشیانه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی عده ای از تظاهرکنندگان مجروح و عده ای نیز جان باختند.

- چندی پیش در جریان یک مسابقه فوتبال در شهر نجف آباد بین تماشاچیان و نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی درگیری بوجود آمد که بر اثر تیراندازی افراد مسلح رژیم تعدادی کشته و مجروح گردیدند.

- علیرغم همه هیاهوهای جمهوری اسلامی در رابطه با مبارزه با مواد مخدره در کرمانشاه اخیرا توزیع کنندگان مواد مخدر بدون کمترین پوشش در معابر عمومی به خرید و فروش این مواد پرداخته بطوریکه خرید و فروش مواد مخدر حتی از گذشته نیز آزادانه تر صورت میگیرد.

- اخیرا در شهر تهران به جز گشتهای والعدایات که هر لحظه بخواهند به بازرسی افراد میپردازند مسز دوران وزارت اطلاعات نیز با لباسهای شخصی و سائینهای عادی به گشت در شهر پرداخته و به دستگیری و بازجویی از اهالی میپردازند. - با گسترش موج اخراج های کارگری در کارخانجات کشور، اخیرا مدیریت و مسئولین کارخانه چیتاری هرگاه بخواهند کارگری را تهدید به اخراج نمایند از اصطلاح "بشست دری" استفاده مینمایند و مدتی است که این اصطلاح بطور وسیعی در این کارخانه رایج شده است.

- نشریه الفروغ چاپ تونس فاش ساخت که اخیرا تماسهای محرمانه ای در نیویورک بین جمهوری اسلامی و آمریکا جریان داشته است. همچنین کانال ۵ تلویزیون فرانسه نیز گزارش داد که از چند هفته پیش میان نمایندگان رفسنجانی و دولت آمریکا مذاکرات محرمانه ای آغاز شده است.

- در حالیکه جمهوری اسلامی از قرارگاه مسرکسزی محمدرسول الله در شهر بیرجند به عنوان مرکزی برای مبارزه





میشوند. فرماندار مریوان نیز برای جلوگیری از رشد اعتراض اهالی به وعده و وعید متوسل شده و قول حل مسئله را میدهد.

- اخیراً نیروهای رژیم در پایگاه جوین از توابع سرهسبز چوپان روستا را به گلوله می‌بندند که باعث مرگ او و مجروح شدن فرزندان میگردد.

- پاسداران جمهوری اسلامی در سنندج به مراسم عروسی یکی از اهالی شهر حمله کرده و ضمن انیت و آزار مهملانسان عروسی و ناماد باخافه عده دیگری را دستگیر نمودند.

پاسداران اعلام کردند که هر نوع مجلس عروسی باید با اطلاع نهادهای سرکوبگر و بدون موسیقی برگزار گردد.

- جمهوری اسلامی در راستای سیاستهای چپا و لگرا نه خود مبلغ ۱۵ میلیون ریال از اهالی روستای مرزی قلات در منطقه سردفت برای کفین برق اخاذی نمود.

- برخلاف تبلیغات رژیم مبنی بر علو عمومی، در ارومیه اکثر زندانیان سیاسی که در موج اخبار غمناکهای وحشیانه رژیم اسد نام نده هنوز زندانیان سرمبیرند و در این فاصله رژیم تنها عده ای قاجار قبی و عناصر تصدیهی آزاد نموده است.

- جندی پیش یکی از عناصر آزاره اطلاعات مها بساد در یکی از مساجد این شهر به تهنید اهالی پرداخته و از جمله میگوید اصلاً در این شهر مثل اینکه انقلاب اسلامی صورت نگرفته چرا که همه اهالی با خدا انقلاب همکاری می‌کنند.

- نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در منطقه ترگسور و مرگور شمال کرستان پس از ضربات اخیر بهممرگان خلق کرد، به آزار اهالی پرداخته و آنها را به بهانه اینکه به بهممرگان کمک می‌کنند، دستگیر و شکنجه می‌نمایند.

- در ۱۱ آبان ماه جاشهای خود فروخته درجاده بانه - سردفت یک ماهین مسافری را بدون دلیل به رگیار می‌بندند که در اثر این اقدام وحشیانه دو نفر از مسافرین ماهین مزبور جان خود را از دست می‌دهند.

- درجاده بانه - سردفت جاشها به عنوان بهممرگان خلق کرد جلوی ماهینها را گرفته و در صدد اخاذی از مسافرین برمی‌آیند. ولی مردم که با این ترفند ضد مردمی آشنائی دارند از پرداخت پول به آنها خود ناری می‌نمایند. در نتیجه جاشهای مزبور ماهیت خود را آشکار کرده و با توسل به زور و تهدید مسافرین، مبالغی از آنها اخاذی می‌نمایند.



- نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی ضمن یورش به یکسری از روستاهای شهرستان سلیمان اهالی این روستاها را اجباراً گرد آورده و اعلام می‌کنند که هرکس به بهممرگان کمک برساند به شدیدترین وجهی تنبیه میگردد. آنها ضمن انیت و آزار خانواده بهممرگان خلق کرد آنها را تحت فشار قرار میدهند که بروند و فرزندان مبارزمان را مجبور به تسلیم نمایند. در خاتمه این اقدام وحشیانه پاسداران از مزتم می‌خواهند که بر علیه بهممرگان فشار دهند که هیچکس به چنین سختی تن نداده و به خواست آنها تمکین نمی‌کند.

- در اوائل مهرماه مزدوران رژیم اطراف روستای "نرمان" در منطقه مها باد را با توپ و خمپاره گلوله باران نمودند که در نتیجه زن زحمتکشی از اهالی روستا جان خود را از دست داد.

- جندی پیش پاسداران پایگاه "قلات" سردفت به هانه یکی از زحمتکشان روستای "دول خانوه" یورش برده و ضمن بازرسی خانه و انیت و آزار اهالی آن، تردد به خانه مزبور را برای روستائیان دیگر ممنوع اعلام می‌کنند. این اقدام سرکوبگرانه با اعتراض زنان روستا مواجه شده و زنان دلاور روستا با چوب و سنگ به پاسداران حمله می‌کنند که پاسداران به تیراندازی مبادرت کرده و باعث اوج گیری اعتراض اهالی روستا میشوند. در همین حین جاشهای خود فروخته پایگاه مزبور به روستا آمده و پاسداران را از روستا خارج می‌رانند.

- کمبودان در شهر مریوان باعث تجمع اعتراض مردم در مقابل مرکز صنف نادواتهای این شهر میگردد. ولی نمایندگان نادواتهای شهر، مسئولیت کمبود نان را متوجه رژیم می‌نمایند و در نتیجه مردم با تفاق نمایندگان مزبور در جلوی فرمانداری شهر تجمع کرده و خواستار رسیدگی به مسئله کمبود نان

تا ۸۷ تا ۸۸ قریب به ۲۶ هزار کودک و نوجوان فلسطینی بدست نیروهای سرکوبگر اسرائیل مجروح گردیده اند.

- انفجار دو بمب در نزدیکی سفارتخانه های شوروی و چین در لیما پایتخت پرو، خساراتی به بار آورد و لسانی تلفاتی نبرنداشت. در رابطه با این انفجارها آسوسیته پرس گزارش داد که هنوز هیچ گروهی مسئولیت این عمل را به عهده نگرفته است اما رژیم جنایتکار پرو سازمان "راه درخشان" را مسئول این عملیات اعلام نمود.

- در ۱۷ آبانماه دانشجویان ۲۶ دانشگاه در سراسر کره جنوبی دست به یک حرکت اعتراضی بر علیه رژیم مزدور کره جنوبی زدند که بر اثر حمله پلیس سرکوبگر این کشور ۲۵ دانشجو دستگیر شدند.

در تناوم مبارزات دانشجویان کره جنوبی، دانشجویان مبارز این کشور در حالیکه بر علیه امپریالیزم امریکا عمار میداننده یک مرکز نیروهای هوایی امریکا واقع در ۳۳۰ کیلومتری شمال پایتخت این کشور را مورد حمله قرار داده و به طرف این مرکز کوکتل مولوتف پرتاب نمودند.

- شهرهای بزرگ آرژانتین صحنه تظاهرات و اعتصابات گسترده توده های مستعبد این کشور بر علیه رژیم حاکم گردیده. تظاهر کنندگان آنها اتوبوس را به آتش کشیدند و بر علیه گران و کمبود مواد غذایی به اعتراض برخاستند. بعد بحران سرمایه داری وابسته آرژانتین با تورم چهار هزار درصدی خود شدیداً زندگی توده ها را تحت فشار قرار داده و شرایط غیر قابل تحملی را برای آنها به ارمغان آورده است.

- بیدادگاه های اسپانیا چهارتن از مبارزین باسک را به ۸۲۰۰ سال زندان محکوم نمودند. در ضمن مبارزین باسک با تله گذاری برای یکی از اعضای پلیس اسپانیا این مزدور را بهلاکت رساندند.

- در تناوم بحران روز افزون رژیم آلمان شرقی، دولت این کشور با تخریب دیوار برلین که برلین شرقی را از غربی جدا میسازد موافقت نمود.

- در حالیکه مردم فیلیپین در برابر سفارت امریکا در اعتراض به وجود پایگاه های امریکا در کورمان به تظاهرات برخاسته بودند، اکینو رئیس جمهوری این کشور برای جلب کمک های بیشتر امریکا به این کشور سفر نمود.



- روز نهم آبان ماه کارگران یکی از معادن شوروی در منطقه قطب شمال در اعتراض به اوضاع و احوال کار و زندگی خود دست به اعتصاب زدند. کارگران اعتصابی از دولت خواستند که کمتر وعده و وعید دهد و بیشتر به وعده عمل نماید. همچنین معدنچیان اوکراین در اعتراض به شرایط زندگی خود به مدت دو ساعت دست به یک حرکت اعتراضی زدند.

لازم به یادآوری است که در بستر رشد بحران اقتصادی شوروی و اوج گیری اعتصابات کارگری روپزیه نیتنهای حاکم بر این کشور پیشنهاد ممنوعیت اعتصاب کارگران را به پارلمان این کشور بردند و علیرغم همه اعتراضاتی که در این زمینه شده آنها قانونی را به تصویب رساندند که بر اساس آن اعتصاب در برخی از صنایع مهم این کشور ممنوع اعلام شده است.

این قانون ضدکارگری در حالیکه جلوه ای از سیاستهای طبقه حاکمه شوروی در مقابله با بحران موجود را آشکار میسازد، در همان حال نشان میدهد که جار و جنجال های گورباچف در رابطه با دمکراسی، قبل از هر چیز سرکوب طبقه ای را نشان داده گرفته است.

- سنای امریکا لایحه ای را به تصویب رساند که بر اساس آن دولت امریکا میتواند در سراسر دنیا به تعقیب و دستگیری افرادی که در بیدادگاه های این کشور مجرم شناخته شده اند بپردازد. و در آن همچنین مجازات اعدام برای کسانی که اتباع امریکا را در خارج از این کشور به قتل میرسانند پیش بینی شده است.

- دولت امریکا علاوه بر کمک نظامی یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلاری خود به اسرائیل طی سال جاری کمک اقتصادی ای در حدود یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار برای تقویت دولت اسرائیل در نظر گرفته است.

- بنایه آمار رسمی دولت اسرائیل که در مطبوعات فرانسه منعکس گردیده طرف یکسال اول قیام خلق فلسطین، یعنی از

که مسئولیت آنرا گروه "سپارزه انقلابی خلق" برعهده گرفت  
هیچیک از افسران امریکائی آسیبی ندیدند.

- سه سرباز ارتش گواتمالا توسط چریکهای که در مناطق  
شمالی این کشور فعالیت می کنند اسیر شدند.

- رویزپوندستهای حاکم برچین برعلیه اعتصابات

تظاهرات مردم به وضع قوانین جدیدی متوسل شده اند. بسیاری

نموده چهارم جنبه ۲۵ اکتبر قانونی به تصویب رسید که

براساس آن هیچ معنی حق حرکت در تظاهرات و اعتصاب در

خارج از شهری که زندگی می کند را ندارد: "شهروندان

نمی توانند هیچ تظاهرات و اعتصابی را خارج از شهر خود

عروج و حرکت و یا سازماندهی کنند."

- چریکهای "ارتش رهایی بغض ملی" کلمبیا طی یک

حمله نظامی در دو شهر مختلف ۵ پلیس را کشته و چند تن را

زخمی نمودند.

- دولت فرانسه اعلام کرد که مبلغ ۶۴۰ میلیون دلار

کمک مالی برای مدرسه ساخته لبنان در اختیار این کشور

قرار خواهد داد.

- اخیرا دول اروپای غربی توافق نمودند تا حسابی

به ارزش بیش از یک میلیارد دلار برای سرمایه گذاری در

لبنان و مجارستان ایجاد نمایند.

- امریکا یک کمک ۹۳۸ میلیون دلاری به لبنان و مجارستان

را اعلام نمود. از این مبلغ ۸۴۶ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار به

لبنان و ۹۱ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار به مجارستان تعلق

خواهد گرفت. در رابطه با این کمک بوش رئیس جمهوری امریکا

اعلام کرد دلار به تنهایی نمی تواند موجب تعولات خود و یک

هیأت امریکائی قرار است برای تعیین راههای کمک به

اصلاحات لبنان و مجارستان را تفویض نمود که

این کمک باید لبنان و مجارستان را تفویض به اصلاحات

اقتصادی و ایجاد بخش خصوصی با مشارکت امریکا نماید.

- پارلمان آلمان غربی به لفسو ماده ای از قانون

اساسی این کشور رای داد که براساس آن قانونا رهبری جامعه

برعهده طبقه کارگر و حزب کمونیست آن قرار نداشت.

- تری مراسم تحلیف ریاست جمهوری ترکیه، انفجار ۳۰

بمب در مقابل مراکز اقتصادی از جمله بانکها و حرکت های

امپریالیستی رژیم جنایتکار ترکیه را به وحدت انداخت.

- کارگران و زحمتکشان شهر "بوکرا" واقع در شمال

غربی ناکا پایتخت بدنگلان بر علیه رژیم حاکم، تظاهرات

بزرگی سازمان دادند که بر اثر حمله نیروهای سرکوبگر رژیم

جنایتکار حاکم ۳۰ نفر مجروح گردیدند. در تداوم این

تظاهرات، رژیم برای حفظ سلطه خود مجبور به اعلام حکومت

نظامی گردید.

- رژیم مزدور بولیوی برای مقابله با موج رو به رشد

اعتصابات کارگری و اعتراضات دانشجویی در سراسر کشور اعلام

حکومت نظامی نمود و به دستگیری صدها تن از توده های

مستعبد این کشور پرداخت.

- براساس گزارش خبرگزاریها، ژان پیر هوک کمیسر عالی

پناهندگی و معاون دبیرکل سازمان ملل متهم به نزدی ۳۰۰

هزار دلار از بودجه سازمان ملل گردیده است.

- در جریان عورش ترکی از زندانیان ایالت پنسیلوانیا،

زندانیان بغضی از زندان راه آتش گشودند. در جریان این

عورش ۵ زندانی و ۳۵ پلیس مجروح گردیدند.

- روز دوشنبه ۳۰ اکتبر یک چریک فلسطینی با بستن بمب

به بدن خود و حمله به یک گشتی نظامی اسرائیل باعث مجروح

شدن سه سرباز اسرائیلی گشت. در این عملیات چریک فلسطینی

به سلامت رسید.

- سازمان عفو بین الملل، دولت ترکیه را بدلیل

شکست زندانیان سیاسی محکوم کرده و اعلام نمود که در طی

سال جاری ۱۰ زندانی زیر شکنجه کشته

شده اند.

- پدنیال تلاشهای دولت امریکا برای غیرقانونی کردن به

آتش گشیدن پرچم امریکا، روز دوشنبه ۳۰ اکتبر چند تظاهرات

کننده از هواداران حزب کمونیست انقلابی امریکا در مقابل

ساختمان کنگره این کشور در واشنگتن پرچم امریکا را به آتش

گشودند. در ضمن عده ای از سربازان امریکائی که در جنگ ویتنام

شرکت ناعده اند نیز روز ۲۶ اکتبر، پرچم امریکا را به آتش

گشودند.

- روز یکشنبه ۲۲ اکتبر انفجار ۳ بمب در سه ماهیسن

افسران امریکا در پایگاه نظامی هلندی کون واقع در حومه

آتن باعث مجروح شدن ۴ افسر یونانی گشت. در این انفجارها



دست بزنند. لازم بتوضیح است که رژیم مزدور و ضد خلقی السالوادور در تبلیغات خویش از سر عجز و ناتوانی، عوامل فربیهانه از کنترل اوضاع پایتخت توسط نیروهای سرکوبگر ارتش خبر میدهد، و این تبلیغات دغلکارانه در شرایطی است که چریکها بخش بزرگی از مواضع دشمن در شمال پایتخت را تسخیر نموده اند. عملیات دلاورانه اخیر جبهه آزادیبخش خلق السالوادور نشان داد که مبارزات مسلحانه و جنگ انقلابی خلق السالوادور بر علیه امپریالیسم و مگسگان زنجیریش در این کشور واژه مرحله جدیدی گردیده و بر این واقعیت که امپریالیستها و بویژه امپریالیسم آمریکا بسا وجود تمامی قدر قدرت نمایشهایشان در مقابل اراده خلقهای مسلح جز سبزه های کاغذی ای نیستند، مهر تأکید دوساره ای کوبیده است.

لازم به یادآوری است که نیروهای جبهه آزادیبخش ملی فاراباندومارتی در طی سالها مبارزه مسلحانه بر علیه سلطه امپریالیسم در این کشور، موفق شده بودند که بخش وسیعی از خاک این کشور را از زیر سلطه دشمنان مردم خارج نمایند و عملیات اخیر این جبهه در پایتخت این کشور در تداوم این مبارزه طولانی بیانگر برقراری توازن قوای جدیدی در رابطه با انقلاب و فداانقلاب در این کشور میباشد، امری که چشم اندازهای روشن پیروزی را در مقابل کارگران و توده های ستمدیده السالوادور قرار میدهد.



تسخیر بخشی از پایتخت السالوادور

بوسیله انقلابیون این کشور

اخبار منتشره حاکی از رشد جنبش انقلابی خلق السالوادور و اوجگیری تعرضات انقلابی چریکهای جبهه فاراباندومارتی بر علیه رژیم وابسته با امپریالیسم السالوادور میباشد.

در این رابطه واسط آبان ماه چریکهای انقلابی این جبهه طی تعرضی دلاورانه به محل اقامت کریستیانی رئیس جمهور السالوادور و مراکز متعدد تجمع قوای سرکوبگر ارتش امپریالیستی رژیم السالوادور بخشی از پایتخت را بسا کنترل خود درآوردند. بواثر عملیات قهرمانانه انقلابیون السالوادور در پایتخت این کشور، چنان وعشتی در دل حاکمین ضد خلقی دولت کریستیانی افتاد که نه تنها جناب رئیس جمهور با فضاحت مجبور به فرار از کاخ خویش شد، بلکه رژیم السالوادور مجبور شد که در این کشور حکومت نظامی اعلام کند. ولی از آنجا شیکه حملات چریکها و حمایتهای توده ای از آنها قوی تر از آن چیزی بود که مزدوران رژیم فکر میکردند، اعلام حکومت نظامی نیز نجات دهنده مزدوران نشد و دولت ضد خلقی السالوادور طی اقدامی جنایتکارانه تصمیم به بمباران نقاط متعدد پایتخت از هوا و زمین گرفت و در نتیجه با توپهای سنگین و تانک و هلی کوپتر و بمب افکن بمقابله با چریکها و توده های مبارز پایتخت دست زد. اما علی رغم این بورش و حشیانه، حملات گسترده چریکهای رزمنده فاراباندومارتی همچنان ادامه یافت، چنانکه چریکها با حمله بسا مراکز نیروهای سرکوبگر ارتش امپریالیستی السالوادور در حوالی فرودگاه بین المللی این کشور، موجب تعطیلی فرودگاه شدند. رزمندگان جبهه فاراباندومارتی همچنین با استفاده از سلاحهای سنگین و نیمه سنگین با تعرض قهرمانانه دیگری به بخش نظامی "خوزه آرت" که در مجاورت مقر ستاد کسل نیروهای مسلح رژیم وابسته با امپریالیسم السالوادور قرار دارد، ضربات مهلکی بمراکز تمرکز مزدوران رژیم ضد خلقی این کشور وارد نمودند. حملات متهورانه چریکهای جبهه فاراباندومارتی که طی ۱۰ سال اخیر بی سابقه بسوده است، موجب پاکسازی بیش از ۲۵ محله از شمال پایتخت السالوادور از حضور نیروهای سرکوبگر ارتش امپریالیستی السالوادور شده است. رادیوی "ون سه موس" فرستنده جبهه آزادیبخش ملی فاراباندومارتی طی گزارشی که در رابطه با تعرضات چریکهای انقلابی این جبهه بخش مینمیسوده از کارگران و کارکنان حمل و نقل خواستار شد که به اعتصاب

در باره حزب و شتم علولین چنگو سواران

از صفحه ۱۵

ما داریم آنها را به تیمارستان منتقل میکنیم و علمبرهسم اعتراضات مردم معلول نامبرده را دوباره سوار مانعین کرده به راه خود ادامه میدهند.

قابل ذکر است که انعکاس خبر قوی در سطح شهر باعث انزجار هرچه بیشتر مردم از رژیم گفته و رسوائی دیگری به رسوائیهای جمهوری اسلامی تر نزد مردم افزوده است. براساس رژیمسی که کودکان و جوانان کمور را در میدانهای جنگ بموتان نیروهای همکار مصرف به کشتن مهناد با معلولین جنگی نیز جزا این نمیتوانست بر خورد نماید، ندگ و نفرت برای این رژیم ضد خلقی باد!



پیش بسوی سازماندهی مسلح توده ها

- از اواخر شهریور ماه طی پورهی آبادی رژیم به دکه نازان در طرف یکماه بساط ۹۴۴۶ دکه ناز و دستفروش به بهانه سد معبر در خیابانهای تهران برچیده شد.

- سازمان حفاظت محیط زیست استان چهار محال بختیاری اعلام کرد: تحت تاثیر سموم دفع آفات مزارع در رودخانه "منو" ۴۰ تا ۵۰ هزار قطعه ماهی از بین رفته است.

- رئیس آموزش و پرورش گناوه اعلام کرد: ۸۶ واحد آموزشی مقاطع مختلف تحصیلی به امر تسلیم و تربیت اغتفال دارند که این آمار کمبود شدید فضای آموزشی در منطقه را نشان میدهد. این کمبود باعث گردیده تا در مقطع ابتدایی ۲۰۰ نفر و ۲۰۰ نفره ۱۳ نفره و ۲۰۰ نفره در مقطع راهنمایی، متوسطه و ۲۰۰ نفره باخته باقیم.

- نشریه امیدگل گزارش داد که از بهار گذشته تاکنون افزایش قیمت برخی از کالاها در ایران تا ۱۵۰۰٪ نیز رسیده است.

- در سمینار بازاریابی اقتصادی کشور اعلام شد که تورم طی سالهای حاکمیت جمهوری اسلامی به میزان ۶۰۰٪ افزایش یافته است و میزان بیکاری به ۶ میلیون نفر رسیده است. در این سمینار تاکید گردید که پیش از ۴۳ درصد از نیروی کار کشور بیکار میمانند.

از مسائل دیگری که در این سمینار مطرح گردید رعایت شدید واردات پرنج و گوشت بود برای نمونه واردات پرنج که در سال ۵۶ حدود ۲۱۸/۶ بوده در سال ۶۷ به ۲۰/۵ درصد افزایش یافته و واردات گوشت از ۱۲/۶٪ در سال ۵۴ به ۲۸/۲٪ در سال ۶۷ رسیده است.

- تنها کتابخانه عمومی شهر ۴۰۰ هزار نفری پروچسرد تنها ۱۳۰ متر مربع وسعت دارد در این کتابخانه که ۶ هزار نفر عضو دارد برای زنان که ۴۰٪ اعضا آنرا تشکیل میدهند جایی برای مطالعه وجود ندارد و آنها مجبورند در اتسای سراسر به مطالعه بپردازند.

- براساس گزارش کیهان در رابطه با کمبود مسکن: براساس نرخ رشد فعلی جمعیت برای پاسخگویی به نیازهای جدید (و نه رفع کمبودهای سرسام آور سالهای گذشته) سالانه باید حدود ۴۰۰ هزار واحد مسکونی جدید ساخته شود آنهم به شرطی که در هر واحد مسکونی بیش از یک خانوار اسکان یابند. براساس این گزارش در فاصله پنج ساله ۶۳ تا ۶۸

## ایران از دریچه آمار

- مدیر کل امور اقتصادی و دارایی استان کرمانسرا اعلام کرد: مالیات اخذ شده در پنج ماهه اول سال جاری در این استان ۴۳۴ میلیون ریال بوده که معادل کل مالیات اخذ شده در تمام سال گذشته می باشد.

- نماینده همدان در مجلس اعلام کرد: میزان نقدینگی بخش خصوصی طی سالهای اخیر ۷ برابر شده است و بیکاری از ۲۷/۷٪ در سال ۵۵ به ۴۱/۱٪ در سال ۶۵ رسیده است.

- مدیر کل اداره اقتصاد و دارایی استان آذربایجان شرقی اعلام کرد: ۱۰٪ جمعیت کشور مالک ۱۳/۷٪ از ثروت کل جامعه می باشند.

- رفسنجانی گفت: آنچه در برنامه ۵ ساله پیش بینشی کرده ایم جذب ۱۵ تا ۲۰ میلیارد دلار سرمایه خارجی برای طرحهای معض شده برنامه ۵ ساله است.

- سازمان تامین اجتماعی جمهوری اسلامی در سالهای اخیر سالانه حدود ۲۴ میلیارد تومان کارگران و کارمندان با مصلاخ بیمه شده را سرکشی نموده است.

- براساس آمار بانک مرکزی: در سال ۶۶ هزینه ناخالص یک خانوار شهری بطور متوسط سالانه ۱۸۶ هزار تومان یعنی ماهی حدود ۱۵/۵ هزار تومان بوده است.

- نشریه دی ولت چاپ آلمان گزارش داد: تنها در تهران ۲ میلیون نفر همپا با شکمهای گرسنه به رختخواب میروند و بعضیها مجبورند تمام روز را با چند استکان چای غیرپس بگذرانند و عدهای حتی توانائی خرید شکر را هم ندارند.

- در تهران برای جابجائی هر صد هزار نفر تنها ۲۸ دستگاه اتوبوس وجود دارد.

دو نفره استفاده کنیم.

- روزنامه اطلاعات نوعت: میزان قرض دولت از بانک مرکزی بین ۸۰۰ تا ۹۰۰ میلیارد تومان می باشد. و از این قرض به عنوان کسر بودجه جا و ندهای که سالانه روبه افزایش است نام برد.

- گروه عاقلی نماینده مرشد در مجلس اعلام کرد: ۶۱۰ مردم استان آذربایجان بیسواد می باشد.

حنا قل یک میلیون و ۲۵۰ هزار واحد مسکونی، کمبود وجود داشته که اگر این رقم را با یک میلیون و ۸۱۰ هزار واحدی که از قبل کم بوده جمع کنیم سه میلیون واحد کمبود در زمینه مسکن وجود دارد.

- براساس گزارشات موجود: حدود نهم میلیون نفر دختر بچه در گروه سنی ۹ تا ۱۶ سال بیسواد می باشد از این تعداد ۴۷۵ هزار نفر در روستاها و ۱۱۳ هزار نفر در شهرها زندگی می کنند. در گروه سنی ۱۰ تا ۱۹ سال نیز یک میلیون و سیصد هزار دختر بیسواد می باشد.

مسئول بخش زنان و زایمان بیمارستان علوی شهر اردبیل اعلام کرد: بدلیل کمبود جا، مجبوریم که از تختها بمسورت



خوانندگان مبارز "پیام فدائی"

برای غنا بخشیدن به محتوای نشریه و برای رفع کمبودهای آن ما به شما تکیه داریم. نظریات، انتقادات، پیشنهادات خود را برای ما بنویسید و بکوشید با مکاتبه با نشریه رابطه هرچه فعالتری بنا ما برقرار کنید. بدون شک یک نشریه انقلابی زمانی موفق خواهد بود که به توده ها و به مجموعه هواداراناش متکی باشد.

روز شمار

آبان و آذرماه

- ۸/۱۶ / انقلاب کبیر اکتبر ۱۹۱۷
- ۱۲۸۷/۸/۷ / اعتصاب کارگران کارخانه چرمسازی تبریز برهبری سوسال دمکراتها
- ۸/۲۰ / پایان جنگ جهانی اول ۱۹۱۸
- ۱۳۳۳/۸/۷ / تصویب قرارداد کنسرسیوم نفت
- ۱۳۳۳/۸/۱۹ / شهادت دکتر حسین فاطمی
- ۱۳۳۳/۸/۴ / احیای قاجون کاپیتولاسیون
- ۸/۲۰ / استقلال آنگولا ۱۹۷۶
- ۵۲/۸/۲۳ / اعتصاب کارگران جهان چیت
- ۵۷/۸/۱۳ / گذار دانش آموزان (روز دانش آموز)
- ۵۹/۸/۱۳ / قتل عام روستا شیسان اشدرفاش در کردستان
- ۶۰/۸/۸ / شهادت رفیق مبارز مجتبی احمدزاده

"هزاران هزار شهید، جان خود را در راه منافع خلق قهرمانانه فدا کرده اند، بگذار درفش آنها را برافرازیم و در راهی که با خون آنها سرخ شده است، به پیش رویم!"  
(ما توتسه دون)



شهدای آبان و آذرماه

چریکهای فدائی خلق ایران

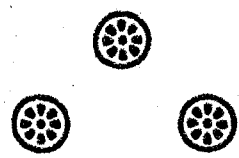


- ۹/۷ / تولد فردریک انگلس ۱۸۲۰
- ۹/۳۰ / تولد ژوزف استالین ۱۸۷۹
- ۱۳۰۰/۹/۱۱ / شهادت میرزا کوچک خان
- ۱۳۲۵/۹/۲۱ / سرکوب جنبش آذربایجان
- ۱۳۲۵/۹/۲۲ / اشغال مهاباد
- ۹/۲۱ / روز استقلال گینه ۱۹۶۰
- ۱۳۳۲/۹/۱۶ / شهادت دانشجویان مبارز: شریعت رضوی، احمد محدث قندچی و مصطفی بزرگ نیا (روز دانشجو)
- ۹/۱۹ / روز استقلال جمهوری دمکراتیک خلق یمن ۱۹۶۷
- ۹/۱۶ / قیام مسلحانه کارگران مسکو
- ۹/۱۸ / سالروز انقلاب آلبانی

- فرج الله شیک نژاد (کاک وریا) ۶۲/۸/۱
- سلیمان (جاسم) سلیمانی ۸/۲۵
- رفقا:
- اسدالله بشردوست ۵۱/۹/۷
- پرویز نصیرمسلم ۵۵/۹/۳
- زهرا آقائینی قلعهکی ۵۵/۹/۲۹
- ابولقاسم آصفری محبت ۶۰/۹/۲
- عبدالکریم اجیرائی ۶۰/۹/۳
- محمدحسین محینی ۶۰/۹/۳
- غلامرضا تالوردیان چایچی ۶۰/۹/۱۲
- فریدون شافعی (کاک رحمان) ۶۰/۹/۲۶
- ۵۰/۸/۱۹
- ۵۲/۸/۲
- ۶۰/۸/۲
- ۶۰/۸/۵
- ۶۰/۸/۵
- ۶۰/۸/۷
- ۶۰/۸/۷
- ۶۰/۸/۸
- ۶۰/۸/۱۳
- ۶۰/۸/۱۳
- ۶۰/۸/۱۵
- ۶۰/۸/۲۷
- ۶۰/۸/۲۸
- ۶۰/۸/۲۸
- ۶۱/۸/۱۰



- رفقا:
- شاهرخ هدایتی
- فرهاد سپهری در ظفار
- محمدقلی جهانگیری
- عزیز پورا حمدی
- سهراب جهانگیری
- حسین مدیرشانه چی
- محمدحسین خادمی
- علیرضا شفیعی
- محمدحسین سلیمانی
- علی بهروزی
- علی برنشان
- محمد قادری
- حسین رگنی
- احمد پیل افکن
- علی اصغر ذاکری



هرچه برافراشته تر باد پرچم خونین چریکهای فدائی خلق

گرامی باد دومین سالگرد قیام پرشکوه خلق فلسطین بر علیه امپریالیسم و رژیم دست نشانده اش اسرائیل جنایتکار، قیام پرشکوهی که اراده خلل ناپذیر خلق فلسطین برای رسیدن به آزادی و ددمنشی ارتش مزدور اسرائیل را همزمان در مقابل دیدجهانیان قرار داده است.

### کمبود خوابگاه

### معضل دانشجویان

در یازدهم آبانماه سال جاری نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی بایورش به دانشجویان پلی تکنیک تهران و با سه خاک و خون کشیدن مبارزات آنان، بار دیگر ماهیت ضد خلقی خود را بنمایش گذاشتند. این یورش وحشیانه که برگ سیاه دیگری بر پرونده سراسرنگین رژیم افزود، در پی اشغال ساختمان خالیای روی داد که دانشجویان قصد داشتند از آن بعنوان خوابگاه، دانشجویی استفاده نمایند، ساختمانی در خیابان فلسطین که از مدتها پیش بوسیله ارگان ضد خلقی بسیج مستضعفان تاحب شده بود.

انعکاس خیر وحشیگری پاسداران جمهوری اسلامی در حق دانشجویان مبارز در سطح جامعه، در حالیکه موجب انزجار بازم بیشتر توده های خلق ما از رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی گردید، در عین حال رفسنجانی فریبکار را بر آن داشت که از آن بعنوان یک "حادثه تلخ" نام ببرد. در این رابطه و البته پس از آن "حادثه تلخ" رحمانی مسئول بسیج، طی مباحثه ای با رادیو رژیم مدعی شد که ساختمان مزبور متعلق به بسیج و مورد استفاده این ارگان بوده و در ضمن با ساختمان مزبور هیچگونه مناسبتی برای خوابگاه نداشته و ندارد و دانشجویان معترض هم عده ای متخلف بوده اند که عمدتاً با فارغ التحصیل شده و با اصلاح خودشان دارای خوابگاه بوده اند. در صفحه ۱۵

## ۱۳ آبان روز دانش آموز گرامی باد!

فرخنده باد ۲۵ اکتبر هفتاد و سومین سالروز انقلاب کبیر اکتبر، انقلاب کبیری که زیر درفش رهایی بخش مارکسیسم - لنینیسم با سونگونی بورژوازی استثمارگر، فرارسیدن دوران نوینی را در تاریخ نوید داد. دوران نابودی سرمایه داری و ساختمان سوسیالیسم برای رسیدن به کمونیسم.

با کمکهای مالی خود  
چریکهای فدائی خلق ایران  
را یاری رسانید

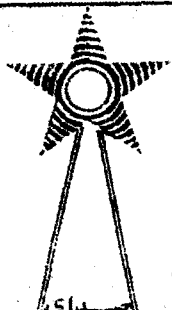
در تکمیل آثار سازمانی بکوشید

برای تماس با چریکهای فدائی خلق ایران  
با نشانی های زیر مکاتبه کنید.

انگلستان فرانسه

F. S  
B. P. 181  
75623 PARIS  
CEDEX 13  
FRANCE

BM BOX 5051  
LONDON  
WCIN 3XX  
ENGLAND



ساعات پخش:

۹ شب و  
۵ و ۶ صبح و ۷ ظهر روز بعد  
ردیف ۷۵ متر

صدای  
چریکهای فدائی خلق ایران

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!